

بسم الله الرحمن الرحيم

شیعه کیست و چه می‌گوید؟

درس گفتارهایی از: مسعود بسیطی

با اهتمام: زهرا مرادی

در دوره‌ی «[شیعه کیست و چه می‌گوید؟](#)» درباره‌ی ظهور تشیع، مبانی اعتقادی شیعه و معرفی اسلام حقیقی، سخن خواهیم گفت.

درس ششم: امامت؛ چهارمین اصل اعتقادی شیعه

کلمات کلیدی: اصول اعتقادی شیعه؛ امامت؛ ویژگی‌های امام؛ امامت در قرآن؛ ضرورت اعتقاد به امام؛ ختم نبوت؛ اصول دین؛ مسعود بسیطی؛ زهرا مرادی

در [جلسه‌ی گذشته](#) درباره‌ی «نبوت» و اعتقاد شیعیان به اینکه خداوند مهربان ۱۲۴۰۰۰ نفر از برترین، صادق‌ترین و امین‌ترین بندگان را به عنوان پیام آور و هدایتگر به سوی مردم فرستاد تا راه سعادت و هدایت را به مردم نشان دهند، صحبت کردیم. گفتیم کسی که به «توحید» و بی‌همتایی خداوند یکتا معتقد باشد، به این نتیجه می‌رسد که چون خداوند با هیچ ابزاری قابل درک، شناخت و دسترسی نیست، لاجرم آدمیان به فرستادگانی از جانب او نیازمندند تا در معرفت خالق‌شان به بیراهه نروند و بدانند آفریدگارشان از ایشان چه می‌خواهد، چه رفتاری باعث سعادت‌شان و چه کارهایی سبب فلاکت‌شان می‌شود، ...

همچنین، راه شناخت حقانیت انبیاء و اهداف بعثت ایشان بیان گردید. در انتها نیز به صورت ویژه اشاره‌ای به آخرین پیامبر یعنی حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم شد و از بشاراتی که پیامبران گذشته درباره‌ی ایشان داده بودند، نمونه‌هایی ارائه گردید. سپس به این سوال مهم رسیدیم که: «آیا خداوند حکیم، پس از آخرین رسولش، سلسله‌ی هدایت را ابتر و نیمه کاره رها نموده؟ آیا بر خلاف انبیای پیشین، پیامبر خاتم برای خود، جانشینی الهی معرفی نفرموده است؟»

در این جلسه، در راستای پاسخ به سوالات فوق، به تبیین اصل چهارم از اصول پنجگانه‌ی تشیع یعنی «امامت» می‌پردازیم.

اصل چهارم در اعتقادات شیعی: امامت

«امامت» از واژه‌ی «امام» به معنای پیشوا، سرپرست و کسی که گروهی از او تبعیت می‌کنند، گرفته شده است.^۱ بدین ترتیب در معنای «امامت»، هم مفهوم «رهبری و ریاست» و هم «تبعیت و پیروی» نهفته است.

شیعیان معتقدند خداوند متعال، پس از رسول خاتم، آدمیان را بدون هدایتگر و سرپرستی الهی رها نفرموده و دوازده نفر از برترین بندگان را به عنوان «امام» و جانشین آخرین پیامبرش انتخاب و معرفی کرده است. پذیرش سرپرستی ایشان و پیروی از کلامشان، همانند پذیرش رسول خدا و پیروی از کلام خدا واجب و ضروری است. چنین باوری جزو اصول اعتقادی شیعه است و اصطلاحاً «امامت» نام می‌گیرد.

دلایل عقلی ضرورت اعتقاد به امام

کدام رهبرِ عاقلی است که در غیبت خود، برای پیروانش جانشینی معرفی نکند؟

کدام معلمِ دلسوزی است که در نبودِ خویش، جایگزینی به جای خود تعیین نکند؟

کدام سرپرستِ دوراندیشی است که افراد تحت حمایتش را پس از خود، سرگردان و بی سرپرست رها نماید؟

...

پس چگونه رسول خاتم که عاقل‌ترین و دلسوزترین رهبر برای امت بود و سال‌ها برای هدایت و تربیت مردم زحمت کشیده بود، بی آنکه برای امتش سرپرست و هدایتگری شایسته و قابل اعتماد معرفی کند، آنها را رها کرده باشد؟

نه تنها رسول خاتم، بلکه همه‌ی پیامبران پیشین، بر این سنت بودند که امت‌شان را بدون تعیین و معرفی جانشینی قابل اعتماد، ترک نکنند. رسول خاتم نیز به همین رویه‌ی عقلانی عمل نمودند و پیش از رحلت، جانشینان پس از خود را به وضوح به مردم معرفی فرمودند.^۲

از سوی دیگر، همچنانکه در توضیح [اهداف بعثت پیامبران](#) گفته شد، انسان‌ها نیازمند وجود فرستاده‌ای ضمانت شده از جانب خدا هستند تا فطرت‌شان را بیدار کند، عقل‌شان را رشد دهد، معرفت صحیح خدای یگانه را در کام‌شان بریزد، کلام خدا را تبیین کند، تحریفات به وجود آمده در دین را اصلاح نماید، ...

^۱ «[امام] کسی است که به پیشوایی او در قول و فعل، اقتدا می‌شود»: ترجمه مفردات راغب، ج ۱، ص ۱۹۷؛ «امام آنست که از وی پیروی و به وی اقتدا شود، خواه انسان باشد یا کتاب یا غیر آن، حق باشد یا باطل»: قاموس قرآن، ج ۱، ص ۱۲۰ و ۱۲۱.

^۲ امیر مومنان - علی بن ابیطالب - در این مورد می‌فرماید: "وَ خَلَفَ فِيكُمْ مَا خَلَقَتِ الْأَنْبِيَاءُ فِي أُمَمِهَا إِذْ لَمْ يَتَرَكُوهُمْ هَمَلًا يَغْيِرُ طَرِيقَ وَاضِحٍ وَ لَا عِلْمٍ قَائِمٍ" یعنی: پیامبر خاتم، در میان شما مردم جانشینانی برگزید همچنانکه تمام پیامبران گذشته برای امت‌های خود جانشینی برگزیدند، چون انبیا هیچگاه مردم را سرگردان و بدون رهبر و راه روشن رها نمی‌کردند: نهج البلاغه (صبحی)، خطبه ۱، ص ۴۴؛ همچنین روایت شده که سلمان فارسی از رسول خاتم می‌پرسد همه‌ی پیامبران، وصی و جانشینی برای خود داشته‌اند. وصی شما کیست؟ پیامبر هم پاسخ می‌دهند: وصی من و نگهدارنده‌ی اسرار من و بهترین کسی که بعد از من باقی می‌ماند و آن کس که وعده‌های مرا عملی می‌کند و دیون مرا پرداخت می‌کند، علی بن ابیطالب است: "إِنَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ وَصِيًّا فَمَنْ وَصِيُّكَ؟ ... قَالَ فَإِنَّ وَصِيَّيَّ وَمَوْضِعَ سَرِّي وَخَيْرَ مَنْ أَتَرَكَ بَعْدِي وَبِنَجْزِ عِدَّتِي وَبِنَقْضِي دِينِي، عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ": **منابع اهل سنت**: المعجم الكبير، ج ۶، ص ۲۲۱؛ فضائل الصحابة (احمد بن حنبل)، ج ۲، ص ۶۱۵، ج ۱۰۵۲؛ مجمع الزوائد (هيثمی)، ج ۹، ص ۱۱۳ و ۱۱۴؛ فتح الباري، ج ۸، ص ۱۱۴. شبیه همین مضمون در **منابع شیعی**: علل الشرايع، ج ۲، ص ۴۶۹؛ كفاية الاثر، ص ۱۴۷ تا ۱۵۱.

اما با ختم رسالت و پایان ارسال پیامبران، چه کسی پس از پیامبر خاتم،

- فطرت مردم را بیدار خواهد نمود،
- عقل‌شان را رشد خواهد داد،
- در جهت شکوفایی اخلاق، تربیت‌شان خواهد نمود،
- معرفت حقیقیِ خدای یگانه را در جان‌شان خواهد ریخت،
- کلام خدا را تبیین خواهد نمود،
- تحریفات و انحرافات دین را اصلاح خواهد کرد؟

چنانچه نپذیریم در ادامه‌ی سلسله‌ی نبوت، «امامت» قرار دارد و خداوند جانشینانی را برای آخرین پیامبرش انتخاب فرموده، آیا هدایت بنی آدم منقطع نمی‌ماند؟ آیا رسالت پیامبران ناقص اعمال نمی‌گردد؟ از همین روست که خداوند حکیم نیز می‌فرماید مردم هیچ دوره‌ای را بدون هدایتگر رها نفرموده:

«وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»^۲

و برای هر قومی هدایتگری وجود دارد.

و به آخرین پیامبرش امر می‌کند هدایتگران پس از خود را به مردم معرفی کند و چنانچه این مأموریت را انجام ندهد، رسالت خویش را به پایان نرسانده است!^۴

^۲ قرآن کریم، سوره رعد، آیه ۷. رسول خدا در تبیین این آیه دست خویش را بر سینه‌ی علی علیه السلام نهاد و فرمود: «وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ؛» ثم قال: انك منارة الأنام و غاية الهدى و أمير القري و أشهد على ذلك أنك كذلك" یعنی: «و برای هر قومی هدایتگری است» و یا علی تو روشنگر راه مردم و نهایت هدایت [آنها] و فرمانروای شهرها هستی و من بر این شهادت می‌دهم: بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۲. امام صادق علیه السلام – ششمین جانشین و مبین قرآن پس از رسول خاتم – هم در تبیین این آیه فرموده‌اند: «كُلُّ إِمَامٍ هَادٍ لِلْقَرْنِ الَّذِي هُوَ فِيهِمْ» یعنی: هر امامی (از امامان دوازده‌گانه که رسول اکرم به فرمان خدا معرفی فرمود) هدایتگر عصری است که در آن است: بحارالانوار، ج ۳۳، ص ۳. امام باقر - پنجمین جانشین و مفسر مبین قرآن پس از رسول خاتم – نیز چنین فرموده‌اند: «برای همه‌ی زمان‌ها از ما (اهل بیت) هدایتگری است که آنها (مردم) را هدایت می‌کند به آنچه بر پیامبر آمده سپس هدایتگر پس از او علی و سپس سایر اوصیاء یکی پس از دیگری»: بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۳۵۸.

در **منابع اهل سنت** نیز به این موضوع اشاره گردیده که رسول خدا در تبیین «هاد» ذیل آیه‌ی فوق به امیر مومنان اشاره کرده‌اند و فرموده‌اند مقصود از هدایتگر، علی بن ابیطالب است. به عنوان نمونه بنگرید به: شواهد التنزيل حسکانی، ج ۱، ص ۳۹۴؛ تفسیر الدر المنثور، ج ۴، ص ۴۵؛ تفسیر القرآن العظيم (ابن کثیر)، ج ۴، ص ۳۷۲؛ تفسیر جامع البیان (طبری)، ج ۱۳، ص ۷۲؛ فرائد السمطين، ج ۱، ۱۴۸؛ تفسیر الکبیر (فخر رازی)، ج ۱۹، ص ۱۴؛ المستدرک علی الصحيحین، ج ۳، ص ۱۲۹.

^۴ خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ» یعنی: ای پیامبر؛ آنچه از سوی پروردگارت به سویت نازل شده به مردم ابلاغ کن چراکه اگر نرسانی رسالت خدا را انجام نداده‌ای: سوره‌ی مائده، آیه ۶۷؛ بزرگان **اهل سنت** این آیه را درباره‌ی حضرت علی علیه السلام می‌دانند. به عنوان نمونه سیوطی از عبد الله بن مسعود نقل می‌کند که ما در زمان پیامبر این آیه را این گونه می‌خواندیم: «يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك ان عليا مولى المومنين» یعنی: ای پیامبر آنچه از جانب پروردگارت به سویت نازل شده که همانا علی مولای مومنان است، به مردم ابلاغ کن: تفسیر الدر المنثور، ج ۲،

بنابراین، همچنان که در اعصار گذشته، بهترین، عالم‌ترین، عادل‌ترین و دلسوزترین فرد برای رسیدگی به امور دنیایی و آخرتی مردم، پیامبران و جانشینان ایشان بودند، پس از رسول خاتم نیز امامان به عنوان هدایتگر آسمانی، مربی دلسوز و رافع اختلاف از جانب خدا انتخاب و معرفی شدند.

بدیهی است کلام خدا، احادیث نبوی و سیره‌ی پیامبر، به تنهایی نمی‌توانند راهگشایی کامل و جامع برای مردم در امور مختلف باشند. چراکه

- اولاً همچنانکه پیامبر خاتم اذعان فرمود در طول ۲۳ سال پیامبری ایشان فرصت نشد همه‌ی آنچه مورد نیاز مردم بود، به تفصیل بیان شود و تمامی آیات قرآن با تأویل و تفسیر کامل تبیین گردد.^۵
- ثانیاً اختلافات متعددی که در آراء، نظرات و برداشت‌های افراد مختلف از کلام خدا و رسولش، وجود دارد، گواه معتبری بر این مدعاست که مردم به تنهایی نمی‌توانند از روی قرآن و سخنان به جا مانده از رسول خاتم به پاسخ صحیح برسند.

لذا برای رفع همه‌ی این چالش‌ها، به یک رافع اختلاف که به سرچشمه‌ی وحی متصل باشد، علم قرآن را در سینه داشته باشد و همچون پیامبر، پدران به دنبال سعادت و خوشبختی انسان‌ها باشد، نیاز است.

مستندات روایی ضرورت اعتقاد به امام

گذشته از دلایل عقلی ضرورت اعتقاد به امام، آیات و روایات متعددی وجود دارد که پذیرش امامان و تبعیت و پیروی از ایشان را حکم الهی و فریضه‌ای محکم بیان می‌کند.

- نمونه‌هایی از آیات قرآن کریم در اثبات ضرورت اعتقاد به امامت

ص ۲۹۸؛ فتح القدیر، ج ۲، ص ۶۰؛ همچنین بنگرید به: تفسیر ابن ابی حاتم، ج ۴، ص ۱۱۷۲؛ روح المعانی، ج ۶، ص ۱۹۳.

به عنوان نمونه بنگرید به وصیت پیامبر در روز غدیر که فرمودند: "أَلَا إِنَّ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهُمَا وَأَعْرِفَهُمَا فَأَمَرُ بِالْحَلَالَ وَ أَنْهَى عَنِ الْحَرَامِ فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ فَأَمِرْتُ أَنْ أَخْذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَ الصَّفَقَةَ لَكُمْ يَقْبُولُ مَا جُنْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَ مِنْهُ أَيْمَةٌ قَائِمَةٌ مِنْهُمْ الْمَهْدِيُّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ الَّذِي يَقْضِي بِالْحَقِّ" یعنی: بدانید که حلال و حرام بیش از آن است که من همه‌ی آنها را بشمارم و معرفی کنم و بتوانم در یک مجلس به همه‌ی حلال‌ها دستور دهم و از همه‌ی حرام‌ها نهی کنم. پس مأمورم که از شما بیعت بگیرم و با شما دست بدهم بر اینکه قبول کنید آنچه از طرف خداوند عز و جل درباره‌ی امیر مومنان و امامان بعد از او آورده‌ام که آنان از نسل من و اویند، [و آن موضوع] امامتی است که تا روز قیامت فقط در آنها به پا خواهد بود، و آخر ایشان مهدی است و اوست که بر حق حکم خواهد کرد؛ احتجاج (طبرسی)، ج ۱، ص ۶۵؛ و نیز فرمودند: "قَوَّ اللَّهُ لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ وَ لَا يُوضِّحَ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا الَّذِي أَنَا أَخْذُ بِيَدِهِ ... مُعَلِّمُكُمْ أَنَّ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ وَ هُوَ عَلِيٌّ بَنُ أَبِي طَالِبٍ ع أَخِي وَ وَصِيِّي وَ مَوْلَايُ مِنْ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْزَلَهَا عَلَيَّ" یعنی: به خدا قسم، باطن قرآن را برای شما بیان نمی‌کند و تفسیرش را برای‌تان روشن نمی‌کند مگر این شخصی که من دست او را می‌گیرم ... و به شما می‌فهمانم که «هر کس من صاحب اختیار اویم این علی صاحب اختیار او است». و او علی بن ابی طالب برادر و جانشین من است، ولایت او از جانب خداوند عز و جل است که بر من نازل کرده است؛ همان، ص ۶۰.

○ آیهی اطاعت از اولی الامر:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^۶

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید رسول و اولی الامر از خودتان را.

در آیهی فوق، خداوند به ایمان آورندگان دستور داده علاوه بر اطاعت از خدا، از پیامبر و «اولی الامر» به معنای صاحبان امر نیز اطاعت کنند. از آنجا که واژه‌ی «اولی الامر» بلافاصله بعد از «رسول» آمده، بنابراین، همان اطاعت بی قید و شرطی که در مورد رسول خدا مورد نظر است، درباره‌ی «اولی الامر» نیز مطرح می‌شود. اما این صاحبان امر، چه کسانی هستند که اینگونه مورد تایید خداوند متعال قرار دارند و مردم به اطاعت بی چون و چرا از ایشان امر شده‌اند؟

طبیعتاً مردم در زمان پیامبر برای فهم این آیه و آیات دیگر به رسول خاتم مراجعه می‌کردند و از ایشان مقصود خداوند را از کلامش می‌پرسیدند. رسول اکرم نیز در پاسخ ایشان، به صراحت، اولی الامر را دوازده جانشین پس از خود معرفی فرمودند و آنها را یک به یک نام بردند.^۷ روایات متعددی از اهل سنت^۸ و شیعه^۹ تاکید دارد که «اولی الامر» به امامانی که رسول خاتم به عنوان جانشینان پس از خود معرفی کرده بود، اطلاق می‌گردد.

^۶ قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۵۹.

^۷ جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: "لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى نَبِيِّهِ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَرَفْنَا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَمَنْ أُولُو الْأَمْرِ الَّذِينَ قَرَنَ اللَّهُ طَاعَتَهُمْ بِطَاعَتِكَ قَالَ هُمْ خُلَفَائِي يَا جَابِرُ وَ أَيْمَةُ الْمُسْلِمِينَ بَعْدِي أَوْهُمْ عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ الْحَسَنُ ثُمَّ الْحُسَيْنُ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ... ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ سَمِيُّ وَ كَنِيي حُجَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ بَقِيَّتُهُ فِي عِبَادِهِ ابْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ...". یعنی: زمانی که این آیه نازل شد حضور پیغمبر اکرم عرض کردم شما خدا و رسولش را که خودتان هستید به ما شناسانید. اما اولی الامر که اطاعت او در مرتبه‌ی خدا و رسول قرار گرفته، کیست؟ رسول خدا فرمود: ای جابر، مراد از اولی الامر جانشینان من هستند که اول آنها علی بن ابی طالب علیه السلام است؛ بعد حسن سپس حسین بعد علی بن الحسین بعد محمد بن علی ... بعد از او جعفر صادق بعد موسی بن جعفر و پس از او علی بن موسی و بعد از او محمد بن علی و بعد از او علی بن محمد بعد از او حسن بن علی بعد از او هم نام و هم کنیه من حجت خدا در روی زمین فرزند حسن بن علی عسکری: تفسیر برهان، ج ۲، ص ۱۰۳. (ذیل آیه ۵۹ سوره نساء)؛ بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۲۵۰.

^۸ به عنوان نمونه، حاکم حسکانی حنفی نیشابوری در کتاب «الشواهد التنزیل» ذیل این آیه (سوره نساء، آیه ۵۹) پنج حدیث نقل کرده که در همه‌ی آنها از علی بن ابیطالب به عنوان مصداق روشن اولی الامر، یاد کرده است: الشواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۴۸ تا ۱۵۱. یکی از آن روایات عبارتند از: "... عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ، أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» قَالَ: نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ. قُلْتُ: إِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ: فَمَا مَنَعَهُ أَنْ يَسْمَى عَلِيًّا وَ أَهْلَ بَيْتِهِ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ: قُولُوا لَهُمْ: إِنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ عَلَى رَسُولِهِ الصَّلَاةَ وَ لَمْ يَسْمَ ثَلَاثًا وَ لَا أَرْبَعًا- حَتَّى كَانَ رَسُولُ اللَّهِ هُوَ الَّذِي قَسَرَ ذَلِكَ، وَ أَنْزَلَ الْحَقَّ فَلَمْ يَنْزِلْ: طَوْفُوا سَبْعًا حَتَّى قَسَرَ ذَلِكَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ وَ أَنْزَلَ: أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَتَزَلَّتْ فِي

بنابراین، پس از رسول خاتم، مردم باید از دوازده جانشینی که خداوند متعال تعیین فرموده بود، اطاعت کنند.

○ آیه‌ی ولایت:

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ»^{۱۰}
همانا سرپرست (ولیّ امر) شما تنها خداست و پیامبرش و آن مومنانی که نماز را بر پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌پردازند.

این آیه به ماجرای اشاره دارد که در آن، امیر مومنان علی ابن ابیطالب هنگامی که سر نماز و در حال رکوع بود، انگشتر خود را به درمانده‌ی نیازمندی بخشید تا ناامید از مسجد مسلمانان بیرون نرفته باشد.

پس از این اتفاق، آیه‌ی فوق نازل شد و خداوند حکیم بار دیگر سرپرستان حقیقی و شایسته‌ی مردم را به روشنی به ایشان معرفی فرمود.

عموم شیعیان^{۱۱} و بسیاری از مفسران و محدثان اهل سنت^{۱۲}، شأن نزول این آیه را اقدام علی بن ابیطالب نقل کرده‌اند و ایشان را سرپرست معرفی شده از جانب خدا معرفی نموده‌اند. بر این اساس، پس از رسول خاتم، سرپرستی مردم، به امیرمومنان و جانشینان الهی پس از ایشان می‌رسد.

عَلَى وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ، وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: أَوْصِيكُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ وَ أَهْلِ بَيْتِي إِنِّي سَأَلْتُ اللَّهَ أَنْ لَا يَقَرِّقَ بَيْنَهُمَا- حَتَّى يورِدَهُمَا عَلَى الْخَوْضِ فَأَعْطَانِي ذَلِكَ: همان، ص ۱۴۹ و ۱۵۰، ج ۲۰۳.

^۹ به عنوان نمونه بنگرید به روایات تفسیر برهان، ج ۲، ص ۱۰۳ تا ۱۱۵. (ذیل آیه ۵۹ سوره نساء). نمونه‌ی این احادیث در پاورقی شماره ۷ آورده شده است.

^{۱۰} قرآن کریم، سوره مائده، آیه ۵۵.

^{۱۱} به عنوان نمونه بنگرید به روایاتی که در تفسیر برهان، ذیل آیه ۵۵ سوره مائده بیان شده: تفسیر برهان، ج ۲، ص ۳۱۵ تا ۳۲۶. مانند: عده‌ای از یهودیان که مسلمان شده بودند، خدمت رسول خاتم رفتند و گفتند حضرت موسی به یوشع بن نون وصیت کرد و او را جانشین خود قرار داد. وصیّ شما کیست و سرپرست ما بعد از شما چه کسی است؟ آیه‌ی **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ** نازل شد. پیامبر به همراه ایشان به مسجد رفتند و سائلی را با انگشتر دیدند. از او سوال کردند چه کسی آن را به تو داده؟ گفت آن مردی که در حال نماز است و علی علیه السلام را نشان داد. پیامبر پرسیدند در چه حالی آن را داد؟ گفت وقتی در حال رکوع بود. پیامبر با شنیدن این حرف، تکبیر گفتند و همراه ایشان بقیه‌ی مسلمانان نیز تکبیر گفتند. سپس پیامبر فرمودند آگاه باشید که ولی و سرپرست بعدی شما علی بن ابیطالب است. مردم هم همگی گفتند راضی شدیم که الله پروردگارمان باشد؛ و اسلام دین‌مان و محمد پیامبرمان باشد و علی بن ابیطالب سرپرست‌مان باشد؛ همان، ص ۳۱۸، ج ۳۱۶۷.

^{۱۲} به عنوان نمونه بنگرید به: تفسیر الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۹۳؛ اسباب النزول (واحدی)، ص ۱۴۸؛ تفسیر الکشاف (زمخشری) ج ۱، ص ۶۴۹؛ تفسیر فخر رازی، ج ۱۲، ص ۲۶؛ تفسیر طبری، ج ۶، ص ۱۸۶؛ کنز العمال، ج ۶، ص ۳۱۹؛ الشواهد التنزیل (حسکانی)، ص ۱۶۱ تا ۱۶۸؛ تفسیر فتح القدیر، ج ۲، ص ۵۰؛ جامع الاصول، ج ۹، ص ۴۷۸؛ ذخائر العقبی، ص ۸۸؛ ...

○ آیه‌ی تبلیغ

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ...»^{۱۳}

ای پیامبر آنچه را از سوی پروردگارت نازل شده [به مردم] ابلاغ کن و اگر نکنی رسالت او (خدا) را انجام نداده‌ای.

همچنان که از معنای آیه‌ی فوق، مشخص است، سخن از ابلاغ یک امر مهم است. آنچنان مهم که خداوند به پیامبرش پس از ۲۳ سال مجاهدت می‌فرماید اگر آن را نگویی، رسالت من را انجام نداده‌ای!

زمان نزول این آیه، به آخرین روزهای حیات پیامبر باز می‌گردد. رسول خاتم در آن سال، قاصدانی را به مناطق مختلف فرستاد و از تمامی مسلمانان - زن و مرد، پیر و جوان، عرب و غیر عرب، سیاه و سپید - دعوت نمود برای مراسم حج در مکه حاضر شوند. مسلمانان از سراسر نقاط اسلامی خواسته‌ی پیامبر را لبیک گفتند و جمعیت عظیمی در حج شرکت کردند. پس از انجام مراسم، پیامبر به فرمان خدای تعالی به همگان دستور دادند تا همراه پیامبر، مکه را ترک کنند. به دنبال چنین فرمانی نه تنها زائرانی که مسیر بازگشت‌شان در جهت خلاف مسیر حرکت پیامبر بود (مانند اهل یمن) بلکه حتی اهالی مکه نیز با رسول خاتم همراه شدند.^{۱۴}

هنگامی که به منطقه‌ی غدیر خم رسیدند، خداوند آیه‌ی فوق را نازل نمود و فرمود آنچه فرمان دادم، به مردم ابلاغ کن. پیامبر نیز به همگان دستور توقف داد و فرمود «باید پیام مهمی از جانب خداوند متعال به شما برسانم».^{۱۵} من در آخرین روزهای حیاتم هستم.^{۱۶} خداوند فرمان داده به شما ابلاغ کنم پس از من، علی بن ابیطالب و پس از علی، یازده تن از نسل او،

^{۱۳} قرآن کریم، سوره مائده، آیه ۶۷.

^{۱۴} رسول خدا به بلال چنین فرمان دادند: "یا بلال ناد فی الناس ان لا یبقی غذا احد الا علیل الا خرج الی غدیر خم" یعنی: ای بلال به مردم خبر بده فردا کسی جز ناتوانان [در مکه] باقی نماند و همگی به سوی غدیر خم رهسپار شوند: بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۱۱۱.

^{۱۵} برگرفته از: "فَأَوْحَىٰ إِلَيَّ يَسْمُ اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ" * ... يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ فِي عَلَيَّ يَغْيِي فِي الْخِلَافَةِ لِعَلِّي بِنَ أَبِي طَالِبٍ ع وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ ... إِنَّ جَبْرِئِلَ هَبَطَ إِلَيَّ مِرَاراً ثَلَاثاً يَأْمُرُنِي عَنِ السَّلَامِ رَبِّي - وَهُوَ السَّلَامُ - أَنْ أَقُومَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأُعْلِمَ كُلَّ أَبْيَضٍ وَأَسْوَدٍ: أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي (عَلَى أُمَّتِي) وَالْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي، الَّذِي مَحَلُّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا تَبِيَّ بَعْدِي وَهُوَ وَلِيُّكُمْ بَعْدَ اللَّهِ وَرَسُولُهُ ...". یعنی: خداوند به من چنین وحی کرده است: «ای پیامبر ابلاغ کن آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده درباره‌ی علی، یعنی خلافت علی بن ابی طالب و اگر انجام ندهی رسالت او را نرسانده‌ای ...» جبرئیل سه مرتبه بر من نازل شد و از طرف خداوند سلام، پروردگارم - که او سلام است - مرا مأمور کرد که در این محل اجتماع به پا خیزم و بر هر سفید و سیاهی اعلام کنم «علی بن ابی طالب برادر من و وصی من و جانشین من بر امتم و امام بعد از من است. نسبت او به من همانند نسبت هارون به موسی است جز اینکه پیامبری بعد از من نیست. و او صاحب اختیار شما بعد از خدا و رسولش است»...: احتجاج (طبرسی)، ج ۱، ص ۵۹.

^{۱۶} "مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ آخِرُ مَقَامٍ أَقُومُهُ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا" یعنی: ای مردم، این آخرین باری است که در چنین اجتماعی به پا می‌ایستیم، پس گوش دهید و اطاعت کنید: همان.

سرپرست شما و جانشین من هستند.^{۱۷} از آنها اطاعت کنید،^{۱۸} یاری‌شان نمایید^{۱۹} و به دشمنی با ایشان برخیزید.^{۲۰}» سپس از تک تک حاضران برای پذیرش علی بن ابیطالب و

^{۱۷} با استناد به کلام رسول خاتم که در روز غدیر فرمودند:

- "مَنْ بَعْدِي عَلَى وَلِيِّكُمْ وَ إِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ، ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وَلَدِهِ إِلَى يَوْمِ تَلْقَوْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ" یعنی: بعد از من علی صاحب اختیار شما و امام شما به امر خداوند است، و بعد از او امامت در نسل من از فرزندان اوست تا روزی که خدا و رسولش را ملاقات خواهید کرد.
- "مَعَاشِرَ النَّاسِ، النُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَسْلُوكٌ فِي ثَمٍّ فِي عَلِيٍّ، ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ" یعنی: ای مردم، نور از جانب خداوند عز و جل در من نهاده شده و سپس در علی بن ابی طالب و بعد در نسل او تا مهدی قائم ...
- "مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَ وَرَاثَةً فِي عَقِبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَقَدْ بَلَّغْتُ مَا أُمِرْتُ بِتَبْلِيغِهِ" یعنی: ای مردم، من امر خلافت را به عنوان امامت و وراثت آن در نسل خودم تا روز قیامت به ودیعه می‌سپارم، و من رسانیدم آنچه مأمور به ابلاغش بودم.
- "مَعَاشِرَ النَّاسِ أَتَا صِرَاطَ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ ثُمَّ عَلِيٌّ مِنْ بَعْدِي ثُمَّ وَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ أَيْمَةٌ يَهْدُونَ إِلَى الْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ" (سوره اعراف، آیه ۱۸۱). یعنی: ای مردم، من راه مستقیم خداوند هستم که شما را به تبعیت آن امر نموده، و سپس علی بعد از من، و سپس فرزندانم از نسل او که امامان هدایت‌اند، به حق هدایت می‌کنند و به یاری حق به عدالت رفتار می‌کنند.

بگیرید به: خطابه غدیر، احتجاج (طبرسی)، ج ۱، ص ۵۸ تا ۶۶.

^{۱۸} با استناد به کلام رسول خاتم که در روز غدیر فرمودند:

- "فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنَّ اللَّهَ قَدْ تَصَبَّهَ لَكُمْ وَلِيًّا وَ إِمَامًا مُفْتَرَضًا طَاعَتُهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ عَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ وَ عَلَى الْبَادِي وَ الْحَاضِرِ وَ عَلَى الْأَعْجَمِيِّ وَ الْعَرَبِيِّ وَ الْحَرِّ وَ الْمَمْلُوكِ وَ الصَّغِيرِ وَ الْكَبِيرِ وَ عَلَى الْأَبْيَضِ وَ الْأَسْوَدِ وَ عَلَى كُلِّ مُوجِدٍ مَاضٍ حُكْمُهُ حَائِزٌ قَوْلُهُ نَافِذٌ أَمْرُهُ مَلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ مُؤْمِنٌ مَنْ صَدَّقَهُ فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ لِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَ أَطَاعَ لَهُ" یعنی: ای مردم، این مطلب را درباره علی بدانید که خداوند او را برای شما صاحب اختیار و امامی قرار داده که اطاعتش را واجب نموده است بر مهاجرین و انصار و بر تابعین آنان به نیکی، و بر روستایی و شهری، و بر عجمی و عربی، و بر آزاد و بنده، و بر بزرگ و کوچک، و بر سفید و سیاه. بر هر یکتا پرستی حکم او اجرا شونده و کلام او مورد عمل و امر او نافذ است. هر کس با او مخالفت کند ملعون است، و هر کس تابع او باشد مورد رحمت الهی است و هر کس تصدیقش کند، مومن است. خداوند او را و هر کس را که از او بشنود و او را اطاعت کند آمرزیده است.
- "مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ فَمَنْ لَمْ يَأْتَمْ بِهِ وَبِمَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ وَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالْعَرْضِ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خِطَبْتُ أَعْمَالَهُمْ" (سوره آل عمران، آیه ۲۳). یعنی: ای مردم، خداوند دین شما را با امامت او کامل نمود، پس هر کس اقتدا نکند به او و به کسانی که جانشین او از فرزندان من و از نسل او هستند تا روز قیامت و روز رفتن به پیشگاه خداوند عز و جل، چنین کسانی اعمال‌شان از بین رفته.
- "فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ إِنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُنْقَادُونَ لِمَا بَلَّغَتْ عَنْ رَبِّنَا وَ رَبِّكَ فِي أَمْرِ عَلِيٍّ وَ أَمْرِ وَلَدِهِ مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الْأَيْمَةِ" یعنی: پس همگی چنین بگویید: «ما شنیدیم و اطاعت می‌کنیم و راضی هستیم و سر تسلیم فرود می‌آوریم درباره‌ی آنچه از جانب پروردگار ما و خودت به ما رساندی درباره‌ی امر امامت اماممان علی و امامانی که از صلب او به دنیا می‌آیند ...

یازده امام پس از او بیعت و قول گرفت و فرمود این پیام مهم را حاضران به غایبان و پدران به فرزندان‌شان نسل به نسل برسانند.^{۲۱}

لذا شیعیان آیهی «يَلِّغُ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ...»^{۲۲} را مرتبط با ماجرای غدیر و معرفی امیر مومنان و فرزندان ایشان به جانشینی پیامبر می‌دانند.^{۲۳} در کتب متعددی از دانشمندان اهل تسنن اعم از تفسیر، حدیث و تاریخ نیز تاکید گردیده آیهی فوق درباره‌ی علی بن ابیطالب نازل شده است.^{۲۴}

بنگرید به: خطابه غدیر، احتجاج (طبرسی)، ج ۱، ص ۵۸ تا ۶۶.
۱۹ "اللَّهُمَّ ... انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ" یعنی: بارخدایا! ... یاری کن هر کس او (علی) را یاری کند: بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۹۸.

۲۰ با استناد به کلام رسول خاتم که در روز غدیر فرمودند:
- "أَلَا إِنَّ جَبْرَيْلَ خَبَّرَنِي عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِذَلِكَ وَ يَقُولُ مَنْ عَادَى عَلِيًّا وَ لَمْ يَتَوَلَّهُ فَقَلْبُهُ لَعْنَتِي وَ غَضَبِي" یعنی: بدانید که جبرئیل از جانب خداوند این خبر را برای من آورده است و می‌گوید: «هر کس با علی دشمنی کند و ولایت او را نپذیرد لعنت و غضب من بر او باد»
- "يَا مَرْيَ أَقُولُ اللَّهُمَّ ... عَادِ مَنْ عَادَاهُ" یعنی: پروردگارا، به امر تو می‌گویم: «... دشمن بدار هر کس علی را دشمن بدارد ...»
- "إِنَّهُ لَا يُبْغِضُ عَلِيًّا إِلَّا شَقِي" یعنی: بدانید که با علی دشمنی نمی‌کند مگر شقی ...
- "أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَ عَلِيٍّ هُمْ أَهْلُ الشِّقَاقِ وَ الْيَقَاقِ وَ الْخَاوُونَ وَ الْخَاوُونَ وَ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ" یعنی: بدانید که دشمنان علی اهل شقاوت و نفاق و ضدیت هستند و آنها دشمن و برادران شیاطین‌اند.

بنگرید به: خطابه غدیر، احتجاج (طبرسی)، ج ۱، ص ۵۸ تا ۶۶.
۲۱ "مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَ وَرَاثَةً فِي عَقِيبي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ قَدْ بَلَّغْتُ مَا أُمِرْتُ بِتَبْلِيغِهِ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَ غَائِبٍ وَ عَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ وَلَدٌ أَوْ لَمْ يُولَدْ فَلْيَبْلِغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَ الْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ... قَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ أَخَذَ مِنْ أَلْسِنَتِكُمُ الْإِقْرَارَ بِمَا عَقَدْتُ لِعَلِيٍّ مِنْ إِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَيِّمَةِ مِثِّي وَ مِنْهُ ..." یعنی: ای مردم، من امر خلافت را به عنوان امامت و وراثت آن در نسل خودم تا روز قیامت به ودیعه می‌سپارم، و من رسانیدم آنچه مأمور به ابلاغش بودم تا حجت باشد بر حاضر و غائب و بر همه کسانی که حضور دارند یا ندارند، بدینا آمده‌اند یا نیامده‌اند. پس حاضران به غائبان و پدران به فرزندان تا روز قیامت برسانند ... پروردگارم مرا مأمور کرده که از زبان شما اقرار بگیرم درباره آنچه منعقد نمودم برای علی امیر المؤمنین و امامانی که بعد از او می‌آیند و از نسل من و اویند: بنگرید به: خطابه غدیر، احتجاج (طبرسی)، ج ۱، ص ۶۵ و ۶۲.

۲۲ بنگرید به پاورقی شماره ۱۳.
۲۳ به عنوان نمونه بنگرید به روایاتی که در تفسیر برهان، ذیل آیه ۶۷ سوره مائده بیان شده: تفسیر برهان، ج ۲، ص ۳۳۴ تا ۳۳۹.

۲۴ از جمله کسانی که در کتابهای خود به ارتباط آیه ۶۷ سوره مائده با جانشینی امیر مومنان اشاره داشته‌اند، دانشمندان معروف زیرند:

- حافظ ابونعیم اصفهانی در کتاب «ما نزل من القرآن فی علی» (به نقل از الخصائص، ص ۲۹).
- ابوالحسن واحدی نیشابوری در «اسباب النزول»، ص ۱۵۰.
- ابن عساکر شافعی (به نقل از تفسیر الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۹۸).

بنابراین، مطلب مهمی که اگر گفته نمی‌شد، ماموریت پیامبر، ناتمام می‌ماند، موضوع معرفی جانشینان پیامبر پس از رسول خاتم بود که به امر خدا انتخاب شده بودند.

○ آیه‌ی اکمال دین

«... الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِيناً»^{۲۵}

امروز دین شما را برای‌تان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم، و اسلام را برای شما [به عنوان] آیین پسندیدم.

این آیه به اتفاق مهمی اشاره دارد که تکمیل کننده‌ی دین خدا و تمام کننده‌ی نعمت‌های بیشمار او به بندگان است. اما چه امری از چنین درجه‌ی اهمیتی برخوردار است که اگر نباشد، دین خدا ناقص می‌ماند؟
به تایید اکثریت مسلمانان شیعه و سنی آیه‌ی فوق نیز در روز غدیر خم نازل شده و درباره‌ی اعلام سرپرستی و جانشینی علی بن ابیطالب است.^{۲۷}

-
- فخر رازی در «تفسیر کبیر»، ج ۳، ص ۶۲۶.
 - ابو اسحاق حموی در «فرائد السمطين» (مخطوط)
 - ابن صباغ مالکی در «الفصول المهمه»، ص ۲۷.
 - جلال الدین سیوطی در «تفسیر الدر المنثور»، ج ۲، ص ۲۹۸.
 - قاضی شوکانی در «فتح القدیر»، ج ۳، ص ۵۷.
 - شهاب الدین آلوسی شافعی در «روح المعانی»، ج ۶، ص ۱۷۲.
 - شیخ سلیمان قندوزی حنفی در «الینایع الموده»، ص ۱۲۰.
 - بدر الدین حنفی در «عمدة القاری فی شرح صحیح البخاری»، ج ۸، ص ۵۸۴.
 - شیخ محمد عبده مصری در تفسیر «المنار»، ج ۶، ص ۴۶۳.

...

^{۲۵} قرآن کریم، سوره مائده، آیه ۳.

^{۲۶} نزول آیه‌ی اکمال دین در روز غدیر را بسیاری از بزرگان فنّ حدیث و تاریخ مانند: طبری، ابن مردویه، ابو نعیم اصفهانی، خطیب بغدادی، ابو سعید سجستانی، ابوالحسن المغازلی، ابوالقاسم الحاکم الحسکانی، ابن عساکر دمشقی، خطیب خوارزمی، ابن جوزی، شیخ الاسلام حموی، ابن کثیر شامی و ... تصدیق کرده‌اند. در منابع شیعی نیز عموماً زمان نزول این آیه روز غدیر نقل شده است. به عنوان نمونه بنگرید به: کافی، (ط - اسلامی)، ج ۱، ص ۲۸۹؛ تفسیر فرات کوفی، ص ۱۱۸؛ تفسیر صافی، ج ۲، ص ۱۰؛ تفسیر برهان، ج ۲، ص ۲۲۵. (ذیل آیه ۳، سوره مائده)

^{۲۷} به عنوان نمونه، حاکم حسکانی حنفی نیشابوری در کتاب «الشواهد التنزیل» ذیل این آیه (سوره مائده، آیه ۳) از ابوهریره، ابوسعید خدری و ابن عباس احادیثی را بیان نموده که در آنها به ارتباط اکمال دین و ماجرای معرفی شدن علی بن ابیطالب در روز غدیر به عنوان جانشین رسول خاتم اشاره گردیده است. به نمونه‌ای از این روایات توجه بفرمایید: از ابوسعید خدری نقل شده: "أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص لَمَّا نَزَلَتْ [عَلَيْهِ] هَذِهِ الْآيَةُ- قَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ [عَلَى] إِكْمَالِ الدِّينِ وَ إِتْمَامِ النِّعْمَةِ، وَ رِضَا الرَّبِّ بِرِسَالَتِي وَ وَلايَةِ عَلِي بْنِ أَبِي طَالِبٍ مِنْ بَعْدِي. ثُمَّ قَالَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ- وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ". الشواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۵۷، ح ۲۱۱؛ همچنین خطیب بغدادی به سند صحیح از ابوهریره تاکید دارد این آیه در روز

بدین ترتیب، با استناد به آیهی فوق، تا زمانی که موضوع سرپرستی مردم پس از رسول خاتم و امامت دوازده برگزیدهی خداوند به صورت رسمی به همگان ابلاغ نشد، دین خدا کامل نگشت و خداوند رحمان راضی نشد.

علاوه بر آیات متعدد دربارهی لزوم و ضرورت امامت که به برخی از آنها اشاره گردید، روایات مؤکدی از رسول خاتم وجود دارد که در آنها نیز وظیفهی مسلمانان را پس از پیامبر، پیروی و تبعیت از امامان تعیین شده از سوی خدا بیان می‌کند. به عنوان نمونه به موارد زیر توجه فرمایید:

- نمونه‌هایی از تاکید صریح پیامبر بر لزوم امامت

○ احادیث ولایت (سرپرستی):

«به راستی که علی از من و من از علی هستم و او **سرپرست** همه‌ی ایمان داران پس از من است!»^{۲۸}

با استناد به این حدیث و احادیث مشابه، رسول خاتم، مردم را پس از خود بدون سرپرست و رهبر رها نکرده و بهترین کسی را که می‌توانسته همچون پیامبر زمام امور را به دست بگیرد، به عنوان سرپرست مردم معرفی فرموده است.

تعبیر ایشان دربارهی نزدیکی و سنخیت علی بن ابیطالب با رسول خاتم در این روایت، قابل توجه است. پیامبر با گفتن «علی از من و من از علی هستم» خیال همه را راحت نمودند که

غدير خم بعد از اینکه پیامبر دست علی را گرفت و فرمود: آیا من ولی امر مسلمین نیستم؟ پس هرکس من مولای او هستم علی هم مولای اوست، نازل شد. در این سند به این موضوع نیز اشاره شده که عُمر به همین مناسبت به علی بن ابیطالب تبریک گفت: "عن أبي هريرة قال من صام يوم ثمان عشرة من ذي الحجة كتب له صيام ستين شهرا و هو يوم غدیر خم لما أخذ النبي صلى الله عليه وسلم بيد علی بن أبي طالب فقال ألسنت ولی المؤمنین قالوا بلى یا رسول الله قال من كنت مولاه فعلى مولاه فقال عمر بن الخطاب بخ بخ لك یا بن أبی طالب أصبحت مولای ومولى كل مسلم فأذن الله اليوم أكملت لكم دينكم": تاریخ بغدادی، ج ۸، ص ۲۸۴.

^{۲۸} "إِنَّ عَلِيًّا مَيِّى وَ آتَا مِنْهُ وَ هُوَ وَلِى كُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ بَعْدِي" **منابع اهل سنت**: المستدرک على الصحيحين، ج ۳، ص ۱۱۰؛ السلسلة الاحاديث الصحيحة (البانى)، ج ۵، ص ۲۲۲. همچنین ترمذی در «الجامع الصحيح»، بخاری در «الصحيح»، موصلى در «المسند»، خطيب بغدادى در «الأربعين»، ابن الاثير در «جامع الاصول»، ... به این روایت اشاره کرده‌اند. در **منابع شیعی** نیز این حدیث و احادیث شبیه به آن دیده می‌شود. به عنوان نمونه:

- "یا عَلِیُّ أَنْتَ مَیِّی وَ آتَا مِنْكَ وَ أَنْتَ وَلِیُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِی": بحارالانوار، ج ۳۱، ص ۴۳۰.
- "عَلِیُّ أَخِی وَ وَزِیرِی وَ وَارِثِی وَ وَصِیِّی وَ خَلِیْقَتِی فِی أُمَّتِی وَ وَلِیُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِی ثُمَّ ابْنِی الْحَسَنُ ثُمَّ ابْنِی الْحُسَینُ ثُمَّ تَسَعَّةٌ مِنْ وَلَدِ الْحُسَینِ وَاجِدٌ بَعْدَ وَاجِدٍ": کمال الدین، ج ۱، ص ۲۷۷.
- "یا أَبَیْهَا النَّاسُ إِنِّی تَارِکٌ فِیکُمْ الثَّقَلَینِ کِتَابُ اللَّهِ وَ عِثْرَتِی أَهْلَ بَیْتِی فَتَمَسَّکُوا بِهِمَا لَا تَضَلُّوا ... أَوَّلُهُمْ أَخِی وَ وَزِیرِی وَ خَلِیْقَتِی فِی أُمَّتِی وَ وَلِیُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ بَعْدِی هُوَ أَوَّلُهُمْ ثُمَّ ابْنِی الْحَسَنُ ثُمَّ ابْنِی الْحُسَینُ ثُمَّ تَسَعَّةٌ مِنْ وَلَدِ الْحُسَینِ وَاجِدٌ بَعْدَ وَاجِدٍ حَتَّى یَرُدُّوا عَلَی الْحَوْضِ شُهَدَاءُ لِلَّهِ فِی أَرْضِهِ وَ حُجَّجُهُ عَلَی خَلْقِهِ وَ خُزَّانُ عِلْمِهِ وَ مَعَادِنُ حِکْمَتِهِ مَنْ أَطَاعَهُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ": احتجاج (طبرسی)، ج ۱، ص ۱۰۹.

علی همانند رسول خدا می‌تواند سرپرستی عاقل، عادل، شجاع، مهربان، امین، صادق، ... برای مردم باشد. این روایت، مورد تایید هم شیعیان و هم اهل سنت است.^{۲۹}

○ احادیث خلافت (جانشینی):

احادیث متعددی از رسول خاتم وجود دارد که درباره‌ی جانشینان خود صحبت کرده‌اند؛ اولین ایشان را علی بن ابیطالب معرفی نموده‌اند؛ تعداد آنها را دوازده نفر و تَسْبِیْشان را از قریش اعلام فرموده‌اند و حتی در برخی مواقع، از تک تک ایشان نام برده‌اند. به نمونه‌های زیر توجه فرمایید:

- «و تو [ای علی] پس از من، در میان همه‌ی ایمان آورندگان، **جانشین** من هستی.»^{۳۰}
- «پس از من دوازده **جانشین** است که همه‌ی آنها از قریش هستند.»^{۳۱}

^{۲۹} بنگرید به پاورقی پیشین.

^{۳۰} "وَ أَنْتَ خَلِيفَتِي فِي كُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ بَعْدِي": **سند اهل سنت**: كتاب السنة (ابن أبي عاصم)، ص ۵۵۱؛ سند شیعی: "وَ أَنْتَ خَلِيفَتِي فِي كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ بَعْدِي": إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، ج ۳، ص ۲۹۰؛ با مضامین مشابه، احادیث بسیاری از رسول خاتم در زمینه‌ی جانشینی علی بن ابیطالب در **منابع شیعی** وجود دارد. مانند: "عَلَيْهِ بَنُ أَبِي طَالِبٍ ع ... خَلِيفَتِي عَلَى أَهْلِي وَ أُمَّتِي فِي حَيَاتِي وَ بَعْدَ مَوْتِي" یعنی: علی بن ابیطالب ... جانشین من بر خانواده و اتمم است چه در زمان حیاتم و چه پس از مرگم: بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۳۷ و ۳۸.

همچنین توجه کنید به این حدیث: إِنَّهُ لَا يَنْبَغِي أَنْ أَذْهَبَ إِلَّا وَأَنْتَ خَلِيفَتِي" یعنی: شایسته نیست که من از میان مردم بروم؛ مگر این که تو [ای علی] جانشین من باشی: **اسناد اهل سنت**: المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۳۳؛ السلسلة الاحادیث الصحیحة (البانی)، ج ۵، ص ۲۲۲؛ **سند شیعی**: بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۲۴۲.

^{۳۱} "يَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ" **سند شیعی**: عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۵۱؛ **منابع اهل سنت**: حلیة الاولیاء (ابونعیم)، دارالکتب العلمیة، ج ۴، ص ۳۳۳؛ معجم الکبیر، ج ۲، ص ۲۱۶؛ کنز العمال، ج ۱۲، ص ۳۳؛ در **منابع اهل سنت**، احادیث متعدد دیگری نیز با همین مضمون از رسول خاتم نقل شده که به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

- "لا يزال الاسلام عزيزا الى اثني عشر خليفة، كلهم من قريش": صحيح مسلم، كتاب الامارة، باب ۱، ح ۷؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۹۰، ۱۰۰، ۱۰۶؛ كنز العمال، ج ۱۲، ص ۳۲؛ فتح الباری، ج ۱۳، ص ۲۱۱؛ مشکاة المصابيح (محمد عمری تبریزی)، ح ۵۹۷۴؛ التاج الجامع للاصول فی احادیث الرسول (ص)، منصور علی ناصف، ج ۳، ص ۳۹.
- "يكون [من] بعدی اثنا عشر امیراً، كلهم من قريش": سنن الترمذی، كتاب فتن، باب ۴۶، ح ۱؛ معجم الکبیر، ج ۲، ص ۲۱۴؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۹۲ و ۹۹؛ كنز العمال، ج ۱۲، ص ۲۴؛ تاریخ بغداد (خطیب بغدادی)، ج ۱۴، ص ۳۵۳ و ج ۶، ص ۲۶۳؛ التاريخ الكبير (محمد بخاری جعفی)، ج ۱، ص ۴۴۶.
- "لا يزال هذا الدين قائماً حتى يكون عليكم اثنا عشر خليفة كلهم تجتمع عليه الامة. فسمعت كلاماً من النبي (ص) لم افهمه، قلت لأبي ما يقول؟ قال: كلهم من قريش": سنن ابن داود، كتاب المهدي، ح ۱؛ تاريخ الخلفاء (سيوطي)، دارالقلم، ص ۱۸؛ دلائل النبوة، ج ۶، ص ۵۲۰؛ فتح الباری، ج ۱۳، ص ۲۱۲.

- «همانا جانشینان من و اوصیای من و حجت‌های الهی بر مردم پس از من دوازده نفرند. اولین‌شان برادرم (علی بن ابیطالب) و آخرین‌شان فرزندم (مهدی) است...»^{۳۲}
- «همانا وصی من و جانشین پس از من، علی بن ابیطالب است و پس از او دو نوه‌ام حسن و سپس حسین. به دنبال ایشان تُو امام ابرار از نسل حسین خواهند آمد: ... پس از حسین، پسرش علی؛ پس از علی، پسرش محمد؛ پس از محمد، پسرش جعفر؛ پس از جعفر، پسرش موسی؛ پس از موسی، پسرش علی؛ پس از علی، پسرش محمد، سپس پسرش علی؛ بعد از او پسرش حسن؛ سپس حجت فرزند حسن. اینان دوازده امام به تعداد نقبای بنی اسرائیل هستند.»^{۳۳}

-
- "يكون لهذه الامة اثنا عشر خليفة": مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۱۰۶؛ كنز العمال، ج ۱۲، ص ۳۳.
 - "لايزال امر امتي صالحاً حتى يمضي اثنا عشر خليفة، كلهم من قریش": المستدرک علی الصحيحين (حاکم نیشابوری)، ج ۳، ص ۶۱۸.
 - "لايزال هذا الامر عزيزاً يُنصرون علی من ناوهم عليه، اثنا عشر خليفة، كلهم من قریش": تاريخ الخلفاء (سیوطی)، ص ۱۰.
 - "لايزال هذا الدين عزيزاً منيعاً الى اثنا عشر خليفة، كلهم من قریش": معجم الكبير، ج ۲، ص ۱۹۵؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۹۹؛ كنز العمال، ج ۱۲، ص ۳۲؛ صحيح مسلم، كتاب الامارة، باب ۱، ج ۹.

۳۲ "إِنَّ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي وَحَجَّجَ اللَّهُ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي لاثْنَا عَشَرَ، أُولَٰهَمُ أَحْيَىٰ، وَآخِرُهُمْ وَلَدِي. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَنْ أَخُوكَ؟ قَالَ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ. قِيلَ: فَمَنْ وَلَدُكَ؟ قَالَ: الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِيتُ جَوْرًا وَظُلْمًا، وَالَّذِي يَعْثُرُنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا، لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ، لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّىٰ يَخْرُجَ فِيهِ وَلَدِي الْمَهْدِيُّ، فَيَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَىٰ بْنُ مَرْيَمَ فَيَصَلِّيَ خَلْفَهُ، وَتُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا، وَيُبْلَغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ" یعنی: همانا جانشینان من و اوصیای من و حجت‌های الهی بر مردم پس از من دوازده نفرند. اولین‌شان برادرم و آخرین‌شان فرزندم است. پرسیدند ای رسول خدا برادران کیست؟ فرمودند: «علی بن ابیطالب». سپس پرسیدند مقصود از فرزندان کیست؟ فرمودند: مهدی. همان که زمین را از قسط و داد پر می‌کند همچنان که از جور و ستم پر شده. به خدایی که مرا حقیقتاً بشارت دهنده برانگیخت سوگند، اگر از عمر زمین فقط یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را آن قدر طولانی خواهد ساخت تا فرزندم مهدی در آن روز ظهور کند. آن گاه عیسی بن مریم از آسمان فرود می‌آید و به امامت او نماز می‌خواند و زمین به نور پروردگارش نور باران می‌گردد و حکومت او به شرق و غرب گیتی گسترش می‌یابد و زمین و زمان در قلمرو عدالت و قدرت او قرار می‌گیرد: **سند اهل سنت**: فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۱۲، ح ۵۶۲؛ **سند شیعی**: کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۰.

۳۳ "إِنَّ وَصِيَّيَّ وَ الْخَلِيفَةَ مِنْ بَعْدِي عَلَيَّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ بَعْدَهُ سَيِّدَايَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ تَتْلُوهُ تِسْعَةً مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ أَيْمَةً أَبْرَار ... إِذَا مَضَى الْحُسَيْنُ قَابَتُهُ عَلَيَّ فَإِذَا مَضَى قَابَتُهُ مُحَمَّدٌ فَإِذَا مَضَى مُحَمَّدٌ قَابَتُهُ جَعْفَرٌ فَإِذَا مَضَى جَعْفَرٌ قَابَتُهُ مُوسَى فَإِذَا مَضَى مُوسَى قَابَتُهُ عَلَيَّ فَإِذَا مَضَى قَابَتُهُ مُحَمَّدٌ ثُمَّ إِنَّهُ عَلَيَّ ثُمَّ إِنَّهُ الْحَسَنُ ثُمَّ إِنَّهُ الْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ فَهَذِهِ اثْنَا عَشَرَ أئِمَّةً عَدَدِ نَقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ": **سند اهل سنت**: فرائد السمطين، ج ۲، ص ۱۳۴، ح ۴۳۱؛ با اندکی تفاوت در: ينابيع الموده، ج ۳، ص ۲۸۲؛ **سند شیعی**: بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۲۸۴.

○ احادیث امامت:

روایات بسیاری از رسول خاتم درباره‌ی امامت علی بن ابیطالب و یازده فرزند ایشان در منابع شیعی و سنی به چشم می‌خورد که آشکارا امامانی را که مردم باید به ایشان اقتدا کنند، معرفی می‌فرمایند. به عنوان نمونه به احادیث زیر توجه فرمایید:

- درباره‌ی علی به من سه مورد وحی شد: او امام پرهیزکاران، سرور مسلمانان و رهبرِ روسفیدان تا بهشت‌های پر نعمت است.^{۳۴}
- پس از من امامان، دوازده نفرند. اولین‌شان تو هستی یا علی و آخرین‌شان «قائم» است که خداوند به دست او شرق و غرب زمین را فتح می‌کند.^{۳۵}
- امامان پس از من این افراد هستند:

۱. الهادی (هدایتگر) **علی** علیه السلام
 ۲. المهتدی (هدایت کننده) **حسن** علیه السلام
 ۳. الناصر (یاری کننده) **حسین** علیه السلام
 ۴. المنصور (یاری شده) **علی بن الحسین** علیه السلام
 ۵. الشافع (شفاعت کننده) **محمد بن علی** علیه السلام
 ۶. النّقا (نفع رساننده) **جعفر بن محمد** علیه السلام
 ۷. الأمین (امین) **موسی بن جعفر** علیه السلام
 ۸. الرضا (مورد رضایت) **علی بن موسی** علیه السلام
 ۹. الفعّال (فَعّال) **محمد بن علی** علیه السلام
 ۱۰. المؤتمن (مؤتمن) **علی بن محمد** علیه السلام
 ۱۱. العلّام (بسیار دانا) **حسن بن علی** علیه السلام
 ۱۲. القائم (قیام کننده) که عیسی بن مریم، پشت سرش نماز می‌خواند.^{۳۶}
- در روز غدیر طی خطابه‌ای مفصل به جمعیت عظیم مسلمانان چنین وصیت فرمودند: خداوند علی را سرپرست و امامی قرار داد که اطاعتش بر هر موحّدی واجب است.^{۳۷}

^{۳۴} "فَأَوْحَى إِلَيَّ فِي بَنَاتٍ: «أَنَّهُ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ، وَسَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ، وَقَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ إِلَى جَنَاتِ النَّعِيمِ»:" **منابع اهل سنت:** معرفة الصحابة، ج ۳، ص ۱۵۸۷؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۳۸؛ خصال (صدوق)، ج ۱، ص ۱۱۶. با این مضمون روایات متعددی در **منابع شیعی** وجود دارد. مانند: "عَهْدَ إِلَيَّ رَبِّي فِي عَلِيٍّ عَ ثَلَاثَ كَلِمَاتٍ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ فَقُلْتُ لَبَّيْكَ رَبِّي فَقَالَ إِنَّ عَلِيًّا إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَ بَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ": امالی (صدوق)، ص ۴۷۶.

^{۳۵} "الْأَيُّمَةُ مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ، أَوَّلُهُمْ أَنْتَ يَا عَلِيُّ، وَ آخِرُهُمُ الْقَائِمُ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ- تَعَالَى ذِكْرَهُ- عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا": **سند اهل سنت:** ينابيع الموده، ج ۳، ص ۳۹۵؛ **سند شیعی:** مناقب (ابن شهر آشوب)، ج ۱، ص ۲۹۸.

^{۳۶} "الْأَيُّمَةُ بَعْدِي الْهَادِي عَلِيٌّ وَ الْمُهْتَدِي الْحَسَنُ وَ النَّاصِرُ الْحُسَيْنُ وَ الْمَنْصُورُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَ الشَّافِعُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ النَّقَّاعُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ الْأَمِينُ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ وَ الرِّضَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى وَ الْفَعَّالُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ الْمُؤْتَمَنُ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ الْعَلَّامُ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَ مَنْ بَصَلِي خَلَقَهُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ع الْقَائِمُ ع": **سند اهل سنت:** فرائد السمطين، ج ۲، ص ۱۵۳ و ۱۵۴، ج ۴۴۶؛ **سند شیعی:** کمال الدين، ج ۱، ص ۲۸۴؛ همچنین بنگرید به پاورقی شماره ۲۲ که در آن روایت نیز رسول خاتم، اسامی ائمه‌ی دوازده گانه را بیان فرموده بودند.

^{۳۷} "أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَ إِمَامًا مُفْتَرَضًا طَاعَتُهُ ... عَلَى كُلِّ مُوَحِّدٍ": احتجاج (طبرسی)، ج ۱، ص ۵۹.

هر که با او مخالفت کند مورد لعنت خداست و هر که از او تبعیت نماید، مورد رحمت خداست.^{۳۸}

پس از من، علی سرپرست شما و به امر پروردگارتان امام شماس. سپس ادامه‌ی امامت در ذریه‌ی من و از فرزندان علی است.^{۳۹}

هیچ علمی نیست مگر اینکه آن را به علی داده‌ام و اوست امام آشکار.^{۴۰}
از علی به سوی دیگری گمراه نشوید، و از او روی برمگردانید و از ولایتش سر باز نزنید.^{۴۱}

او جانشین رسول خدا و امیر مومنان و امام هدایتگر از جانب خداست.^{۴۲}
همانا خداوند دین تان را با امامت او کامل گردانیده.^{۴۳}
ای مردم، با خدا بیعت کنید و با من بیعت نمائید و با علی امیرالمؤمنین و حسن و حسین و امامان از ایشان ... بیعت کنید.^{۴۴}
هر کس خدا و رسولش و علی و امامانی را که ذکر کردم اطاعت کند به رستگاری بزرگ دست یافته است.^{۴۵}

رسول خاتم علاوه بر آنکه به مردمان بشارت دادند پس از پیامبر، بی هدایتگر و پیشوا رها نخواهند شد و دوازده امام را به ایشان معرفی فرمودند، تاکید نمودند:
«مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»^{۴۶}
هرکس بمیرد در حالی که امام زمانش را نشناخته باشد، به مرگ جاهلی مرده است.

^{۳۸} "مَلْعُونٌ مَّنْ خَالَفَهُ، مَرْحُومٌ مَّنْ تَبِعَهُ": همان.

^{۳۹} "مِنْ بَعْدِي عَلَى وَلِيِّكُمْ وَ إِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ، ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وَلَدِي": همان، ص ۵۹ و ۶۰.

^{۴۰} "وَمَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ عَلَّمْتُهُ عَلِيًّا، وَ هُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ": همان، ص ۶۰.

^{۴۱} "مَعَاشِرَ النَّاسِ لَا تَضِلُّوا عَنْهُ وَ لَا تَنْفَرُوا مِنْهُ وَ لَا تَسْتَكْبِرُوا [وَ لَا تَسْتَنْكِفُوا] مِنْ وَلَاتِيهِ" همان.

^{۴۲} "هَذَا عَلَيَّ ... خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْإِمَامُ الْهَادِي بِأَمْرِ اللَّهِ": همان، ص ۶۱.

^{۴۳} "إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ": همان.

^{۴۴} "قَبَائِعُوهُ اللَّهُ وَ بَايِعُونِي وَ بَايِعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَئِمَّةَ مِنْهُمْ": روضة المتقين، ج ۱۳، ص ۲۶۰.

^{۴۵} همچنین بنگرید به: احتجاج (طبرسی)، ج ۱، ص ۶۶.

^{۴۶} "مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ عَلِيًّا وَ الْأَئِمَّةَ الَّذِينَ ذَكَرْتُهُمْ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا" (سوره احزاب، آیه ۷۱): احتجاج (طبرسی)، ج ۱، ص ۶۶.

^{۴۷} **اسناد اهل سنت**: شرح مقاصد في علم الکلام (تفتازانی)، ج ۲، ص ۲۷۵؛ ینابیع الموده، ج ۳، ص ۴۵۶؛ نقض العثمانية للجاحظ (ابو جعفر اسکافی)، ص ۲۴۲. به نقل از صحیح مسلم (من مات ولا امام له مات ميتة جاهلية)؛ مسند احمد حنبل، ج ۴، ص ۹۶؛ مجمع الزوائد (هیثمی)، ج ۵، ص ۲۱۸؛ مسند ابو داود، ص ۲۵۲؛ معجم الكبير (طبرانی)، ج ۱۹، ص ۳۸۸؛ السنه (عمرو بن ابی عاصم)، ج ۲، ص ۵۰۳؛ "من مات وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً" یعنی: اگر بیعت امام در گردن کسی نباشد و آن فرد بمیرد به مرگ جاهلی مرده است؛ صحیح مسلم، ج ۶، ص ۲۲، ج ۴۶۸۶. **اسناد شیعی**: کمال الدین، ج ۲، ص ۴۰۹؛ الثاقب فی المناقب، ص ۴۹۵.

یعنی: اگر کسی در زمان حیاتش امام زمان خود را نشناسد و از او پیروی نکند، هنگام مرگ، در جهل و بدون دین از دنیا می‌رود. لذا این درجه از تاکید بر ضرورت شناخت و پیروی از امامان نیز نشانه‌ی دیگری از ضرورت پذیرش امامت است.

حال که به نمونه‌هایی از دلایل عقلی و مستندات روایی ضرورت اعتقاد به امامت، اشاره نمودیم، زمان آن فرا رسیده تا با شئون و ویژگی‌های رفتاری امامان دوازده گانه که اهل بیت پیامبر خاتم نامیده می‌شوند، بیشتر آشنا شویم:

آشنایی بیشتر با شئون و ویژگی‌های دوازده امام

- تمسک به امام، مانع گمراهی تا قیام قیامت

رسول خاتم بارها تاکید فرمودند خداوند مهربان، پس از پیامبر برای مردم هر عصری امام هدایتگری قرار داده (وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ)^{۴۷} هر کس به امام زمانش متمسک شود، تا قیام قیامت گمراه نمی‌شود. یکی از روایات مشهوری که به این موضوع اشاره دارد، حدیث متواتر ثقلین است:

«من در میان شما دو گوهر گرانبها به یادگار (امانت) می‌گذارم: کتاب خدا و عترتم یعنی اهل بیتم. مادامی که به آن دو متمسک باشید، گمراه نخواهید شد»^{۴۸}

^{۴۷} بنگرید به پاورقی شماره ۳.

^{۴۸} "إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِن تَمَسَّكْتُم بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي - وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ". وسائل الشيعة، ج ۲۷، ص ۳۴. این حدیث در آثار و منابع اهل سنت از طرق مختلف و با تعبیر گوناگونی از رسول خاتم نقل شده است. به عنوان نمونه بنگرید به:

- "انی تارک فیکم الثقلین، اولهما کتاب الله، فیه الهدی والنور، فتمسکوا بکتاب الله و خذوا به، فحث علیه ورغب فیه. ثم قال: واهل بیتی اذکرکم الله فی اهل بیتی، ثلاث مرات: سنن الدارمی، ج ۲، ص ۴۳۲؛ السنن الکبریٰ بیهقی، ج ۲، ص ۱۴۸ و ج ۷، ص ۳۰ و ج ۱۰، ص ۱۱۴.
- "انی تارک فیکم ما ان تمسکتکم به لن تضلوا بعدی، احدهما اعظم من الآخر، کتاب الله حبل ممدود من السماء الى الارض، وعترتی اهل بیتی، ولن یفترقا حتی یردا علی الحوض، فانظروا کیف تخلفونی فیهما". سنن الترمذی، ج ۵، ص ۳۲۹؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۱۷۳؛ تفسیر الدر المنثور، ج ۲، ص ۶۰.
- "انی تارک فیکم الثقلین احدهما اکبر من الآخر، کتاب الله حبل ممدود من السماء الى الارض وعترتی اهل بیتی و انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض". مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۱۴ و ج ۴، ص ۳۷۱؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۲۵۷؛ تهذیب تاریخ دمشق، ج ۵، ص ۴۳۹.
- "انی تارک فیکم خلیفتین، کتاب الله حبل ممدود ما بین السماء والارض، وعترتی اهل بیتی وانهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض". فیض القدر مناوی، ج ۳، ص ۱۴؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۱۸۲ و ۱۸۹؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۲؛ تفسیر الدر المنثور، ج ۲، ص ۶۰.
- "انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله واهل بیتی، وانهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض". المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۴۸؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۱۷. معجم الصغیر طبرانی، ج ۱، ص ۱۳۱؛ معجم الکبیر، ج ۵، ص ۱۹۰ و ۲۰۵.

در ارتباط با حدیث فوق، لازم به ذکر است:

- «تمسک» یعنی چسبیدن دو شیء به هم، به گونه‌ای که جدا کردن آن دو از هم بسیار دشوار باشد؛ مانند چسبیدن پوست به گوشت.^{۴۹}
- رسول خاتم تصریح فرموده‌اند تمسک به قرآن، در واقع همان تمسک به اهل بیت و پرسیدن معنا و تأویل کلام خدا از ایشان است. وگرنه بدون مراجعه به امامان هدایتگر، افراد نمی‌توانند به مفهوم حقیقی آیات و مقصود خداوند از کلامش پی ببرند.^{۵۱}
- رسول خاتم بارها در توضیح این حدیث، تصریح فرموده‌اند مقصود از اهل بیت همان امامان دوازده‌گانه هستند و حتی نام ایشان را عنوان کرده‌اند.^{۵۲}

- "أما بعد، الا ايها الناس! فانما انا بشر يوشك ان يأتى رسول ربى فاجيب وانا تارك فيكم ثقلين؛ أولهما كتاب الله، فيه الهدى والنور، فخذوا بكتاب الله، واستمسكوا به، فحث على كتاب الله ورغب فيه، ثم قال: واهل بيتى اذكركم الله فى اهل بيتى. اذكركم الله فى اهل بيتى. اذكركم الله فى اهل بيتى:" صحيح مسلم، كتاب فضائل صحابه، ج ۳۶؛ كنزالعمال، ج ۳۷۶۲۰؛ السنن الصغير بيهقى، ج ۲، ص ۲۱۲؛ معجم الكبير، ج ۵، ص ۱۸۳.

همچنین، با مضامین مشابه در منابع متعدد دیگری از اهل سنت ذکر شده. مانند:

- مصابيح السنة (البغوی)، ج ۲، ص ۲۰۵.
- مشكاة المصابيح (العمری)، ج ۲، ص ۲۵۵.
- الفتح الكبير (النبهانی)، ج ۱، ص ۳۵۲؛
- ذخائر العقبی (الطبری)، ص ۱۶؛
- فرائد السمطين، ج ۲، ص ۲۶۸، ج ۵۳۵؛
- المسند (احمد بن حنبل)، ج ۵، ص ۱۸۱.
- تاريخ دمشق (ابن عساکر)، ج ۲، ص ۳۶، ج ۵۳۴ و ۵۴۵.
- النهاية (ابن الاثير)، ج ۱، ص ۱۵۵.
- تفسير الدر المنثور، ج ۲، ص ۶۰.

^{۴۹} مسک به معنای پوست است. اما نه فقط رویه‌ی پوست. بلکه ضخامتی از پوست که به گوشت می‌چسبد. بنابراین، هنگامی که می‌گوییم تمسک، منظورمان چسبیدنی است شبیه آنچه که پوست به گوشت می‌چسبد؛ برگرفته از: "المسک: الجلد ... و فی حدیث علی، رضی الله عنه: ما کان علی فراشی الا مسک کبش ای جلده:" لسان العرب، ج ۱۰، (ذیل واژه‌ی مسک)

^{۵۰} "أ تَذَرُونَ مِنَ الْمُتَمَسِّكِ بِهِ الَّذِي يَتَمَسَّكُهُ يَتَاكَ هَذَا الشَّرَفُ الْعَظِيمُ هُوَ الَّذِي أَخَذَ الْقُرْآنَ وَ تَأْوِيلَهُ عَنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ:" آیا می‌دانید به چه کسی متمسک به قرآن می‌گویند؟ کسی به این قرآن شریف عظیم متمسک است که قرآن و تأویل آن را از ما اهل بیت بگیرد: بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۱۸۲.

^{۵۱} علاقمندان به این موضوع، می‌توانند به [درسنامه‌ی «تبیین قرآن» در سایت علمی فرهنگی محمد \(ص\)](#) مراجعه فرمایند.

^{۵۲} به عنوان نمونه بنگرید به:

- "إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا وَ مَنْ تَمَسَّكَ بِعِزَّتِي مِنْ بَعْدِي كَانَ مِنَ الْفَائِزِينَ وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُمْ كَانَ مِنَ ... وَ صِيَّتِي وَ خَلِيعَتِي مِنْ بَعْدِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع ... يَا رَسُولَ اللَّهِ فَكَمْ يَكُونُ الْأَيْمَةُ مِنْ بَعْدِكَ قَالَ عَدَدَ نُقَبَاءِ بَيْتِي إِسْرَائِيلَ تِسْعَةً مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ ... قُلْتُ أ فَلَا تُسَمِّيهِمْ لِي يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ نَعَمْ إِنَّهُ لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ وَ تَطَرْتُ إِلَى

بر اساس این روایت، مراجعه و تمسک به امامان، مانع از گمراهی افراد می‌شود.

- کشتی نجات

رسول خاتم درباره‌ی ائمه‌ی دوازده‌گانه فرمودند:

«علی، حسن، حسین و نه امام از نسل حسین، به منزله‌ی کشتی نوح هستند که هرکس سوارش شد، نجات یافت و هرکه ترکش کرد، غرق شد.»^{۵۲}

- مصون از هر خطا و آلودگی

خداوند متعال، این ضمانت را به انسان‌ها داده که دوازده امام برگزیده، از هر خطا، اشتباه و گناهی پاک هستند و یا به بیان دیگر، «معصوم» هستند:

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»^{۵۳}

سَاقِ الْعَرْشِ قَرَأْتُ مَكْتُوبًا بِالْثُّورِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ أَيْدِيَهُ يَعْلِي وَ تَصْرُتُهُ يَه وَ رَأَيْتُ أَثْوَارَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ فَاطِمَةَ وَ رَأَيْتُ فِي ثَلَاثَةِ مَوَاضِعَ عَلِيًّا عَلِيًّا عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ مُحَمَّدًا وَ مُوسَى وَ جَعْفَرًا وَ الْحَسَنَ وَ الْحُجَّةَ يَتْلَا مِنْ بَيْنِهِمْ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ ذَرِيٌّ فَقُلْتُ يَا رَبِّ مَنْ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ قَرَنْتُ أَسْمَاءَهُمْ بِاسْمِكَ قَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّهُمْ هُمُ الْأَوْصِيَاءُ وَ الْأَيُّمَةُ بِعَدِكَ ...: كفاية الأثر، ص ۱۳۷.

- "أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي فَتَمَسَّكُوا بِهِمَا لِيَلَّا تَضِلُّوا فَإِنَّ اللَّطِيفَ الْخَبِيرَ أَخْبَرَنِي وَ عَهْدَ إِلَيَّ أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ فَقَامَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ وَ هُوَ شِبْهُ الْمُغْضَبِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أ كُلُّ أَهْلِ بَيْتِكَ فَقَالَ لَا وَ لَكِنْ أَوْصِيَائِي مِنْهُمْ أَوْلُهُمْ أَحَبُّ وَ وَزِيرِي وَ وَارِثِي وَ خَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي وَ وَلِيٌّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ بَعْدِي هُوَ أَوْلُهُمْ ثُمَّ أُنِيبَ الْحَسَنُ ثُمَّ أُنِيبَ الْحُسَيْنُ ثُمَّ تَسَعَّى مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ حَتَّى يَرِدُوا عَلَيَّ الْحَوْضَ شُهَدَاءَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حُجَّجَهُ عَلَى خَلْقِهِ وَ خَزَائِنِ عِلْمِهِ وَ مَعَادِنِ حِكْمَتِهِ مَنْ أَطَاعَهُمْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاهُمْ عَصَى اللَّهَ: كمال الدين، ج ۱، ص ۲۷۹.

^{۵۲} "لَيْسَ عِنْدَ اللَّهِ أَحَدٌ أَفْضَلَ مِنِّي وَ أَحَبُّ وَ وَزِيرِي وَ خَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي وَ وَلِيٌّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي - عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَلَا إِنَّ أَحَبُّ وَ وَزِيرِي وَ صَفِيِّ وَ خَلِيفَتِي مِنْ بَعْدِي وَ وَلِيٌّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ بَعْدِي عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ فَإِذَا هَلَكَ فَايُنَبِّهِ الْحَسَنُ مِنْ بَعْدِهِ فَإِذَا هَلَكَ فَايُنَبِّهِ الْحُسَيْنُ مِنْ بَعْدِهِ ثُمَّ الْأَيُّمَةُ [التَّسَعَّى] مِنْ عَقِبِ الْحُسَيْنِ [هُمْ] الْهَدَاةُ الْمُهْتَدُونَ هُمْ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَهُمْ لَا يُفَارِقُونَهُ وَ لَا يُقَارِفُهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ هُمْ زُرُّ الْأَرْضِ الَّذِينَ تَسْكُنُ إِلَيْهِمُ الْأَرْضُ وَ هُمْ حَبْلُ اللَّهِ الْمُتَيْنِ وَ هُمْ عُرْوَةُ اللَّهِ الْوُثْقَى الَّتِي لَا انْفِصَامَ لَهَا وَ هُمْ حُجَجُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ شُهَدَاؤُهُ عَلَى خَلْقِهِ وَ خَزَنَةُ عِلْمِهِ وَ مَعَادِنُ حِكْمَتِهِ وَ هُمْ بِمَنْزِلَةِ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَرَكَهَا غَرِقَ ...: كتاب سليم بن قيس الهلالي، ج ۲، ص ۷۳۴.

با همین مضمون، روایات متعدد دیگری از رسول خاتم در منابع شیعی وجود دارد. به عنوان نمونه: "إِنَّ مَثَلَ أَهْلِ بَيْتِي فِي أُمَّتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ فِي قَوْمِهِ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ": بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۱۹. همچنین در منابع اهل سنت با همین مضمون روایات متعددی وجود دارد. به عنوان نمونه بنگرید به: تفسیر الدر المنثور، ج ۳، ص ۳۳۴؛ تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۹۱؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۳۴۳؛ معجم الکبیر، ج ۳، ص ۴۵ و ۴۶؛ ج ۱۲، ص ۲۷؛ کنزالعمال، ج ۱۲، ص ۹۸؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۲۶۵ و ۲۶۹؛ حلیة الاولیاء، ج ۴، ص ۳۰۶.

^{۵۳} در احادیث متعددی رسول خاتم فرموده‌اند مقصود از اهل بیت، حضرت فاطمه (دختر پیامبر) و حضرت علی و امامان از نسل ایشان هستند. ذیل آیه‌ی تطهیر نیز تصریح فرموده‌اند مقصود از «اهل بیت» که خداوند آنها را از

همانا خداوند چنین اراده فرموده تا هر آلودگی را از شما اهل بیت بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

بنابراین، مردم می‌توانند با خیالی آسوده به امام مراجعه کنند و برای مسائل مختلف زندگی‌شان - اعم از دنیایی و آخرتی - از ایشان راهنمایی و راهکار بگیرند.

- دلسوزتر از پدر، مهربان‌تر از مادر

رسول خاتم بارها خود و امیر مومنان و به تبع ایشان، سایر امامان را «پدر امت» معرفی فرمود. پدرانی دلسوز که در راه خوشبختی مردم از جان و مال خود می‌گذشتند و ناملایمات روزگار را به جان می‌خوردند.^{۵۶}

به فرموده‌ی امام رضا علیه السلام (هشتمین امام و جانشین پس از رسول خاتم)، «امام» پدری دلسوز و مادری مهربان نسبت به طفل کوچک است.^{۵۷} همچنانکه پدران، تمام تلاش و امکانات خود را برای خوشبختی فرزندان‌شان صرف می‌کنند و همانگونه که مادران، نسبت به جگرگوشه‌های کوچک‌شان از هیچ محبتی، مضایقه نمی‌کنند، امام نیز با مردم به گونه‌ای رفتار می‌کند که گویا پدر و مادر ایشان - بلکه دلسوزتر از پدر و مادر حقیقی‌شان^{۵۸} است.

هر ناپاکی دور نگاه داشته، ائمه هستند: "يَا عَلِيُّ هَذِهِ الْآبَةُ نَزَلَتْ فِيكَ وَ فِي سَيْطَتِي وَ الْاُمَمَةُ مِنْ وَلَدِكَ" یعنی: ای علی این آیه درباره‌ی تو و نوه‌هایم (حسن و حسین) و امامان از نسل تو نازل شده است: بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۳۶. در منابع اهل سنت نیز به این موضوع اشاره شده است. به عنوان نمونه بنگرید به: مناقب الخوارزمي، ص ۲۳؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۳۳۰ و ۳۳۱؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۱۰۱ و ۱۰۲؛ البداية والنهاية، ج ۷، ص ۳۷۳ و ۳۷۴.

^{۵۶} قرآن کریم، سوره احزاب، آیه ۳۳.

^{۵۷} "يَا اَبَا الْحَسَنِ اخْرُجْ فَتَادِ فِي النَّاسِ الصَّلَاةَ جَامِعَةً وَ اصْعِدِ الْمُنْبَرِ وَ قُمْ دُونَ مَقَامِي بِمِرْقَاةٍ وَ قُلْ لِلنَّاسِ اَلَا مَنْ عَقَّ وَ اِلَدَيْهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ اَلَا مَنْ اَبَقَ مِنْ مَوَالِيهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ اَلَا مَنْ ظَلَمَ اَجِيرًا اُجْرَتَهُ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ ... يَا اَبَا الْحَسَنِ اَلَا وَ اِيَّتِي وَ اَنْتَ اَبُو هَذِهِ الْاُمَمَةِ فَمَنْ عَقَّنَا فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ اَلَا وَ اِيَّتِي وَ اَنْتَ مَوْلَا هَذِهِ الْاُمَمَةِ فَعَلَى مَنْ اَبَقَ عَنَّا لَعْنَةُ اللَّهِ اَلَا وَ اِيَّتِي وَ اَنْتَ اَجِيرًا هَذِهِ الْاُمَمَةِ فَمَنْ ظَلَمْنَا اُجْرَتَنَا فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ": بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۴۵.

منابع اهل سنت به نقل از رسول خاتم: "حَقُّ عَلِيٍّ بِنِ اَيُّ طَالِبٍ عَلٰى هَذِهِ الْاُمَمَةِ كَحَقِّ الْوَالِدِ عَلٰى الْوَلَدِ": مناقب خوارزمي، ص ۲۱۹. و شبیه همین مضمون در: مناقب خوارزمي، ص ۲۲۹؛ فرائد السمطين، ج ۱، ص ۲۹۶ و ۲۹۷، ج ۲۳۴ و ۲۳۵.

^{۵۸} «... الْاِمَامُ الْاَنِيْسُ الرَّفِيْقُ وَ الْوَالِدُ الشَّغِيْقُ وَ الْاَخُ الشَّقِيْقُ وَ الْاُمُّ الْبِرَّةُ بِالْوَلَدِ الصَّغِيْرِ وَ مَفْرَعُ الْعِبَادِ فِي الدَّاهِيَةِ النَّادِ الْاِمَامُ اَمِيْنُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ حُجَّتُهُ عَلٰى عِبَادِهِ وَ خَلِيْفَتُهُ فِي بِلَادِهِ وَ الدَّاعِي اِلَى اللَّهِ وَ الدَّابُّ عَنْ حُرْمِ اللَّهِ الْاِمَامُ الْمُطَهَّرُ مِنَ الذُّنُوْبِ وَ الْمُتَبَرِّأُ عَنِ الْعُيُوْبِ الْمَخْصُوْصُ بِالْعِلْمِ الْمُؤَسَّوْمُ بِالْجَلْمِ ...» یعنی: امام انیس و رفیق، پدر دلسوز، برادر تنی و دو قلو، مادر دلسوز به کودک خردسالش، پناه بندگان خدا در گرفتاری سخت است، امام امین خداست در میان خلش و حجت او بر بندگان و خلیفه او در بلادش و دعوت‌کننده به سوی او و دفاع‌کننده از حقوق او است، امام از گناهان پاک و از عیبه‌ها بر کنار است، به علم مخصوص و بخویشتن داری نشانه دار است: کافی، (ط - اسلامیه)، ج ۱، ص ۲۰۰.

^{۵۹} لِلْاِمَامِ عَلَمَاتٌ ... اَسْتَقَى عَلَيْهِمْ مِنْ اَبَائِهِمْ وَ اُمَّهَاتِهِمْ: یعنی: برای امام نشانه‌هایی است ... [از جمله] برای مردم دلسوزتر از پدر و مادرشان است: بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۱۱۶ و ۱۱۷.

اهمیت جایگاه والدینی که متحمل زاد و ولد و رشد و تربیت فرزند، شده‌اند، بر کسی پوشیده نیست. اگر آنها و حمایت‌ها و مراقبت‌های‌شان نبود، آن طفل یا به دنیا نمی‌آمد و یا در همان ماه‌های اولیه پس از تولد از بین می‌رفت. از همین رو رسول خاتم تاکید می‌فرماید هر قدر هم تلاش کنید، حتی قادر به جبران نمودن یک لحظه از رنج و سختی که مادر هنگام تولد طفل خود متحمل شده، نیستید.^{۵۹} با این وجود، به فرموده‌ی رسول رحمت، حق امام، بالاتر از حق پدر و مادر جسمانی انسان است. ایشان می‌فرمایند:

«من و علی دو پدر این امت هستیم و حق ما بر این امت، از حق پدر نسبی‌شان بیشتر است؛ زیرا اگر از ما اطاعت نمایند، آنان را از آتش نجات می‌دهیم و به بهشت رهنمون می‌شویم و از راه بندگی خدای متعال، آنان را به برگزیدگان آزاده ملحق می‌نماییم.»^{۶۰}

- پناهگاه امن (کف حصین)

امام، پناهگاهی امن برای آنانی است که در دشواری‌های زندگی به ایشان پناه می‌برند.^{۶۱} خواه دوست باشند یا دشمن؛ ایشان را به امامت قبول داشته باشند یا نه؛ مسلمان باشند یا غیر مسلمان ...^{۶۲}

- دانا به همه‌ی علوم

کسی که قرار است دیگران به او اعتماد کنند و سرپرستی و هدایت خود را به او بسپارند، باید عالم‌ترین و دانشمندترین فرد در کره‌ی زمین باشد.

^{۵۹} رسول خاتم به فردی که پرسیده بود آیا من که از مادر پیرم پرستاری می‌کنم زحماتش را جبران نموده‌ام فرمود: "لَا وَ لَا يَزْفِرُ مِنْ زَفْرَاتِهَا". یعنی: هرگز؛ حتی یک ناله از ناله‌های او را [در سختی به دنیا آوردن] جبران نکرده‌ای: مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۰۰.

^{۶۰} "أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ لَحَقْنَا عَلَيْهِمْ أَعْظَمُ مِنْ حَقِّ أَبِي وَ لِأَدَّتِهِمْ فَإِنَّهَا تُنْقِذُهُمْ إِنْ أَطَاعُوا مِنَ النَّارِ إِلَى دَارِ الْقَرَارِ وَ تُلَحِّقُهُمْ مِنَ الْعُبُودِيَّةِ بِخِيَارِ الْأَحْرَارِ": بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۲۵۹.

^{۶۱} امام صادق علیه السلام (ششمین امام و جانشین پس از رسول خاتم) می‌فرمایند: "تَحَنُّ كَهْفٍ لِمَنِ التَّجَا إِلَيْنَا": ما پناهگاه کسی هستیم که به ما پناه آورد: بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۲۹۹؛ امام رضا علیه السلام (هشتمین امام و جانشین رسول خاتم) نیز در تعریف ویژگی‌های امام فرموده‌اند: "مَقَرَّعُ الْعِبَادِ فِي الدَّاهِيَةِ النَّادِ" یعنی: امام، پناه بندگان است آن هنگام که در مصیبت‌های مرگبار، راه به جایی ندارند: کافی (ط - اسلامیه)، ج ۱، ص ۲۰۰.

^{۶۲} موارد متعددی وجود دارد که اهل بیت علیهم السلام به دشمنان و مخالفان خود پناه داده‌اند. به عنوان نمونه مروان (حاکم اموی) کسی بود که بر علیه امام علی علیه السلام شورش کرد و عده‌ای را برای جنگ با ایشان تحریک نمود. در زمان امامت امام حسن علیه السلام (امام دوم) نیز به مخالفت و آزار اهل بیت علیهم السلام ادامه داد تا آنجا که باعث شد عده‌ای به پیکر بی جان امام حسن علیه السلام تیراندازی کنند. سپس در زمان امامت امام حسین علیه السلام (امام سوم) برای اینکه امام را وادار کند با فردی ظالم و فاسد مانند یزید بیعت نماید، تلاش‌ها کرد. با همه‌ی این اوصاف وقتی در زمان امامت امام سجاد علیه السلام (امام چهارم) ناامید از کمک دوستانش، خانواده اش را به امام سپرد تا از ایشان در برابر خشم مردمی که شورش کرده بودند، محافظت کنند، امام سجاد علیه السلام پذیرفتند و خانواده‌ی مروان را در پناه خویش حفظ کردند. بنگرید به: منتهی الآمال، باب ۶، فصل ۲، ص ۵۸۴.

با مطالعه، تحقیق و آزمون و خطا شاید بتوان به علوم بشری مانند فیزیک و شیمی و پزشکی تا حد زیادی دست یافت اما آیا کسی می‌تواند ادعا کند به گُنه آن علوم پی برده و هیچ نکته‌ی مجهولی برایش باقی نمانده است؟ آیا می‌توان با همین روش به علوم ماورایی نیز دست یافت و یا به جزئیات گذشته و اتفاقات آینده علم پیدا کرد؟ آیا اگر همه‌ی دانشمندان دست به دست هم دهند با تکیه بر استعدادها و هوش و دانش خود می‌توانند حقایق مربوط به زندگی قبل از این عالم و حیات پس از این دنیا را آشکار کنند و بی هیچ شک و تردیدی به همه‌ی سوالات بشر در این حوزه‌ها پاسخ گویند؟ البته که نه.

اما آیا گر خداوند عالمِ قادرِ متعال اراده فرماید همه‌ی علوم گذشته و آینده، زمینی و ماورایی، ... را به برخی از بندگان عطا کند، امکان پذیر است یا خیر؟ البته که هست!

خداوند حکیم از باب رحمتش رسول خاتم و جانشینان او را مخزن علم خود قرار داده و آنها را به همه‌ی علوم دانا گردانده است.^{۶۳} در طول تاریخ همواره اهل بیت علیهم السلام مطمئن‌ترین مرجع علمی مردم و دانشمندان بوده‌اند و هیچ کسی نبوده که سوالی از ایشان بپرسد و بی پاسخ مانده باشد. آنها خود از مردم دعوت می‌کردند از این موهبت الهی استفاده کنند و سوالات خویش را از ایشان بپرسند. تا جایی که امیر مومنان بارها به مردم فرمودند: «بپرسید پیش از آنکه مرا از دست دهید»^{۶۴} اما افسوس که مردم نه عظمت جایگاه علمی ایشان را درک نمودند و نه به خود رحم کردند تا با بهره‌مندی از علم ائمه دنیا و آخرت‌شان را آباد سازند. بلکه انتهای معرفت و خلاقیت‌شان این بود که از تعداد موهای سرشان سوال کنند!^{۶۵}

^{۶۳} بنگرید به:

- رسول خاتم فرمودند: "أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا وَ هَلْ تُدْخِلُ الْمَدِينَةَ إِلَّا مِنْ بَابِهَا" یعنی: من شهر علم هستم و علی در آن است. چگونه جز از طریق در می‌توان وارد شهر شد؟ بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۲۰.

در منابع اهل سنت نیز روایتی مشابه آمده. مانند: "أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ" یعنی: من شهر علم هستم و علی در آن است. هرکس علم می‌خواهد از درش وارد شود: مناقب ابن المغازلی، ص ۸۰ تا ۸۴. همچنین بنگرید به: مناقب ابن المغازلی، ص ۸۵. ؛ مناقب الخوارزمی، ص ۴۰ و ۱۳۰. ؛ فرائد السمطين، ج ۱، ص ۹۸، ح ۶۷. و ص ۳۶۰، ح ۲۸۶. و ص ۳۶۱، ح ۲۸۷. ؛ شرح نهج البلاغة (ابن أبي الحديد)، ج ۹، ص ۱۶۵.

- "مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَ قَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِيَّ وَ كُلُّ عِلْمٍ عَلِمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا عَلَّمْتُهُ عَلِيًّا وَ هُوَ الْإِمَامُ الْمُيْمِنُ" یعنی: هیچ علمی نیست مگر اینکه خداوند در جان من نبشته و من تمامی آن را در جان علی امام پرهیزگاران ضبط کرده‌ام و علمی نبوده مگر اینکه آن را به علی آموخته‌ام: الاحتجاج (طبرسی)، ج ۱، ص ۶۰.

- "هُمْ مَوْضِعُ سِرِّهِ وَ لَجَأُ أَمْرِهِ وَ عَيْبَةُ عِلْمِهِ وَ مَوْتِلُ حُكْمِهِ وَ كُھُوفُ كُتُبِهِ" آنها (اهل بیت) محل اسرار خداوند و پناهگاه فرمان او و ظرف علم او و مرجع احکامش و جایگاه حفظ کتابها [ی آسمانی] او هستند: نهج البلاغة (صبحی)، ص ۴۷.

^{۶۴} "سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَقْفِدُونِي": بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۱۹. ؛ سند اهل سنت: شرح نهج البلاغة (ابن أبي الحديد)، ج ۲، ص ۲۸۶.

^{۶۵} همان.

- برترین در تمامی صفات نیکو

از نشانه‌ها و ویژگی‌های امام، آن است که در هر صفتِ نیکویی، برترین است. عالم‌ترین، حکیم‌ترین، پرهیزکارترین، عاقل‌ترین، شجاع‌ترین، سخاوتمندترین، عابدترین، ... در میان همگان است.^{۶۶} این مسئله آنچنان آشکار و غیر قابل انکار بود که حتی دشمنان اهل بیت نیز در موقعیت‌های مختلف به آن اقرار می‌کردند.^{۶۷}

- انتخاب شده از جانب خداوند

برتر و بالاتر از همه‌ی شئون و ویژگی‌هایی که درباره‌ی امامان علیهم السلام برشمردیم، این است که ایشان، انتخاب شده‌ی خداوند حکیم هستند. قطعاً خالقِ قادرِ متعال، بهتر از هرکسی می‌داند چه کسی شایسته‌ی سرپرستیِ مردم است و صلاحیتِ هدایتِ ایشان را دارد (اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ).^{۶۸}

امام زنده‌ی این عصر

همانطور که گفته شد رسول خاتم برای سرپرستی و هدایتِ انسان‌های پس از خود، دوازده جانشین و امام از جانب خداوند متعال معرفی فرمودند. پیامبر رحمت بارها و بارها تاکید نمودند خوشبختی و هدایت مردم در گرو مراجعه‌ی ایشان به امام زمان‌شان و یاری اوست. اما پس از پیامبر، اکثریت مردم، حکم آشکار خداوند و وصیت مهم پیامبر را نادیده گرفتند و امامان را رها کردند. آنها نه تنها از امام زمان خویش تبعیت نکردند، بلکه در مقابل دشمنان حق و انسانیت نیز ایشان را تنها گذاشتند و به یاری امام نشتافتند.

بدین ترتیب، انسان‌های شرور و حسودی که توجه مردم به امام را تهدیدی برای قدرت و اعتباری که از طریق ظلم و پایمال کردن حقوق دیگران کسب کرده بودند، می‌دیدند، از فرصتِ تنها ماندنِ امام سوء استفاده کردند و امامان را یکی پس از دیگری به شهادت رساندند. تا اینکه نوبت به امامتِ دوازدهمین و آخرین امام یعنی حضرت مهدی علیه السلام رسید.

^{۶۶} "لِلإِمَامِ عَلَامَاتٌ يَكُونُ أَعْلَمُ النَّاسِ وَ أَحْكَمُ النَّاسِ وَ أَتَقَى النَّاسِ وَ أَحْلَمَ النَّاسِ وَ أَشَجَعَ النَّاسِ وَ أَسَخَى النَّاسِ وَ أَعْبَدَ النَّاسِ ...": بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۱۱۶.

^{۶۷} به عنوان نمونه، معاویه که دشمن امیر مومنان بود، به مردی که برای چالپوسی نزد او حضرت علی را فردی بخیل خوانده بود، با عصبانیت گفت: "وَيْحَكَ ... لَوْ مَلَكَ بَيْتًا مِنْ يَبْرِ وَ بَيْتًا مِنْ يَمَنِ لَأَنْفَذَ تَبْرَهُ قَبْلَ تَبْنِيهِ وَ هُوَ الَّذِي كَانَ يَكْنُسُ بُيُوتَ الْأَمْوَالِ وَ يَصِلِّي فِيهَا وَ هُوَ الَّذِي قَالَ يَا صَفْرَاءُ يَا بَيْضَاءُ غُرِّي غَيْرِي" یعنی: وای بر تو ... اگر علی انباری پر از طلا و انبار دیگری پر از کاه داشته باشد، اول طلا را می‌بخشد و بعد، انبار کاه را. او کسی است که همه‌ی بیت المال را می‌بخشید و در مکان بیت المال که گویا جارو زده بود به تماز می‌ایستاد و می‌گفت: ای زرد و سفید (ای طلا و نقره) کسی غیر از علی را فریب دهید؛ بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۱۴۴؛ سند اهل سنت؛ شرح نهج البلاغة (ابن أبي الحديد)، ج ۱، ص ۲۲؛ نمونه‌ی دیگر، اعتراف مأمون درباره‌ی علم و حلم امام جواد علیه السلام (نهمین امام پس از رسول خاتم) است؛ الصواعق المحرقة، ابن حجر هیثمی، ص ۲۰۵.

^{۶۸} خداوند درباره‌ی اینکه رسالتش را کجا قرار دهد (چه کسی را به عنوان فرستاده‌ی خود انتخاب کند) دانایانتر است؛ قرآن کریم، سوره انعام، آیه ۱۲۴.

از آنجا که مردم قدر نعمت وجود امامان پیشین را ندانسته بودند، خداوند نیز بر ایشان غضب کرد و آخرین هدایتگر خود را از دسترس انسان‌ها خارج نمود تا جان عزیزش حفظ شود.

اما معنای این غیبت چیست و تا چه زمانی به طول می‌انجامد؟

دسترسی به هدایتگر غایب چگونه امکان پذیر است؟

مردم این زمان، چگونه از هدایت امام غایب بهره مند گردند؟ ...

پاسخ این سوالات در [درس هفتم](#) بیان می‌شود.

نکات مهم این جلسه:

- «امامت» از واژه‌ی «امام» به معنای پیشوا، سرپرست و کسی که گروهی از او تبعیت می‌کنند، گرفته شده و معنای اصطلاحی آن، پذیرش سرپرستی دوازده جانشین الهی پس از رسول خاتم است.
- رسول خاتم به امر خداوند دوازده جانشین پس از خود تعیین کرد و به همگان سفارش نمود به امام زمان خود مراجعه کنند، از آنها پیروی نمایند و یاری‌شان کنند.
- به فرموده‌ی رسول خاتم هر کس امام زمانش را نشناسد و از او تبعیت نکند، با مرگ جاهلی و بدون دین مرده است.
- دوازده جانشین رسول خاتم عبارتند از:
 - امام اول: علی بن ابیطالب، امیر مومنان
 - امام دوم: حسن بن علی
 - امام سوم: حسین بن علی
 - امام چهارم: علی بن الحسین
 - امام پنجم: محمد بن علی
 - امام ششم: جعفر بن محمد
 - امام هفتم: موسی بن جعفر
 - امام هشتم: علی بن موسی
 - امام نهم: محمد بن علی
 - امام دهم: علی بن محمد
 - امام یازدهم: حسن بن علی
 - امام دوازدهم: حجت بن الحسن المهدی
- دلایل عقلی ضرورت اعتقاد به امام
 - به حکم عقل، هر رهبر دلسوز و سرپرست دوراندیشی در نبود خویش جانشینی برای افراد تحت سرپرستی‌اش انتخاب می‌کند. سنت همه‌ی پیامبران از جمله رسول خاتم نیز این بود که جانشین پس از خود را به مردم معرفی می‌کردند.
 - به تایید عقل آنچه در ضرورت وجود پیامبران گفته شد، پس از ختم رسالت نیز صدق می‌کند و انسان‌ها همچنان به فرستاده‌ای آسمانی نیاز دارند تا فطرت‌شان را بیدار سازد، عقل‌شان را رشد دهد، کلام خدا را برای‌شان تبیین کند، انحرافات دین را اصلاح نماید، اختلافات‌شان را رفع فرماید، ...
- مستندات روایی ضرورت اعتقاد به امام

- آیهی اطاعت از اولی الامر
- آیهی ولایت
- آیهی تبلیغ
- آیهی اکمال دین
- احادیث ولایت که پیامبر در آنها صریحا سرپرستی مردم را پس از خود به ائمه‌ی دوازده گانه سپرده‌اند.
- احادیث خلافت که در آنها پیامبر خاتم جانشینان پس از خود را به مردم معرفی فرموده‌اند.
- احادیث امامت که در آنها پیامبر علاوه بر معرفی امامان، از مردم برای تبعیت و یاری ایشان بیعت گرفته است.

- شئون و ویژگی‌های دوازده امام

- تمسک به امام، مانع گمراهی تا قیامت
- کشتی نجات
- مصون از هر خطا و آلودگی
- دلسوزتر از پدر، مهربان‌تر از مادر
- پناهگاه امن (کشف حصین)
- دانا به همه‌ی علوم
- برترین در تمام صفات نیکو

